تذکره

دوهفته‌نامهٔ تذکره
شمارهٔ سوم ● نیمهٔ اول خرداد ۹۲ ● ۸ صفحه ● ۵۰۰ تومان

کسانی سر کار بیایند که مصداق «انّ الذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا» باشند

دریچه

بنیادی‌ترین مؤلفه برای رئیس‌جمهور تراز دهه چهارم انقلاب اسلامی

یکـی از مهم‌تریـن موانـع برقـرای عدالـت در نظام جمهوری اســلامی، شـکل‌گیری طبقـه‌ای مرفه از دل همین نظام است، پدیده‌ای که مدت‌هاست مورد هشدار رهبر فرزانه انقلاب قرار گرفته است.

«کسانی هستند که تلاش می‌کنند و حقیقتاً در صدد این هستند که طبقه ممتازه جدیدی در نظام جمهوری اسلامی به وجود آورند؛ به‌خاطر انتخاب‌ها و انتصاب‌ها و زرنگی‌ها و دست‌وپاداری‌ها و مشرف‌بودن بر مراکز ثروت، و از طریق نامشروعی که با زرنگی آن را یاد گرفته‌اند، به اموال عمومی دست بیندازند و یک طبقه‌ای جدید طبقه ممتازان و مرفّهان بی‌درد درست کنند.

نظام اســلامی، بـا مرفّهان بی‌درد و معـارض و مخل، آن‌طور برخورد سـختی کرد؛ حال از درون شـکم نظام اسـلامی، یک طبقه مرفه بی‌درد جدید طلوع کند! مگر این شـدنی است؟! به فضل پروردگار، مخلصان انقلاب و اسلام نخواهند گذاشت که چنین انحراف‌های بزرگی به وجود آید.» (امام خامنه‌ای، ۲۵/ ۰۴/ ۱۳۷۶)

«من و شـما همان طلبـه یا معلم پیـش از انقلابیم. یکی از شـماها معلم بود، یکی دانشـجو بود، یکی طلبه بود، یکی منبری بود، همه‌مـان این‌طور بودیم؛ اما حالا مثل عروسی اشراف عروسـی بگیریم، مثل خانه اشراف خانه درسـت کنیـم، مثل حرکت اشـراف در خیابان‌ها حرکت کنیم! اشراف مگر چگونه بودند؟ چون آن‌ها فقط ریششـان تراشیده بود، ولی ما ریشـمان را گذاشته‌ایم، همین کافی است؟!» (امام خامنه‌ای ۲۳/ ۰۵/ ۱۳۷۰)

واقعیت این است هنگامه صدور حکم جهاد «مخلصان انقلاب» با ایـن طبقه، برخی راسـت‌گرایان یا به تعبیر دهه هشـتادی اصول‌گرایان، بسـیج این «لشگر مخلص خدا» را «ظرفیت یومی توسـعه» می‌دانستند (به عنوان نمونـه ن.ک به: هوای تـازه، خاطرات علـی لاریجانی، ج۱،ص۳۱۷) و بـر اسـتفاده از آن در کویـر زدایـی و درختـکاری تأکید داشـتند. (به عنـوان نمونه ن.ک به: سخنرانی هاشمی رفسنجانی در ۷۰/۶/۶)

هنگامی که گفتمان رایج «توسعه» (یا همان پیشرفت بدون عدالت) بود، این طبقه تشـکیل شـد و امروز مانع جدی در برابر بر قراری عدالت همین طبقه است.

کارآمـدی برای عدالت این اسـت کـه رئیس‌جمهور آینده نسـبت به ایـن طبقه و روابطِ قـدرتِ آن بیرونی باشـد؛ همین؛ در اینجا مسـاله فساد و سلامت شخصی نیسـت. مسـاله این است که یک فرد سـالم هم اگر در سـطح و مراوده بـا این طبقه باشـد، ملاحظه‌کاری‌ها و محافظه‌کاری‌ها، او را حداقل به سـکوت که می‌کشـاند. در صورتی که ما کسـی می‌خواهیم کـه میز بازی را به هم بریزد.

امروز اگر از «روابط هم‌بسته و فامیلی قدرت» حرفی به میان بیاید بی‌شـک اذهان به سمت «خانواده‌ای خاص» منحـرف می‌شـود. گر چه کسـی منکر وجـود برادران و پسـرخاله‌ها و ... در روابط قدرت موجود نیسـت، اما مسـاله این است که روابط قدرت فراتر از روابط فامیلی، میان افراد پل می‌زند.

کسی می‌خواهیم که این طبقه مرفه جدید را نشناسد و اساسـا با آنها نشست و برخواسـتی نداشته باشد. نامه امام علی (علیه‌السلام) به عثمان بن‌حنیف (نامه ۴۵ نهج البلاغه) را دوباره بخوانیم: هم‌سفره بودن با این طبقه هم فسـاد تحلیلی می‌آورد. رهایی از افسون عجیبِ روابط قـدرت و عدم مراوده بـا طبقه مرفه جدید برآمده از دل نظـام، مهم‌ترین پیش‌شـرط «کارآمدی بـرای عدالت» است.

تأکیـد بر پیشـرفت و جداسـازی آن از عدالت، به پدیده‌های سـردرگمی همچون «تکنوکراتیسم اصول‌گرا» منجر می‌شود.

داشـتن برنامه و تیم خوب اسـت، اما این «داشـتن» چه چیزی را اثبـات می کند؟ چگونه لزوما به کارآمدی منجر می‌شـود؟ اگر داشتن برنامه و تیم نشان کارآمدی اسـت، که مدیران سابق و تکنوکرات‌ها یک دهه است با لانه‌کردن در مراکـز مطالعاتی انتصابی، صدها صفحه از این برنامه‌ها را تولید کرده‌اند. شاید داشتن برنامه و تیم از پیش‌زمینه‌های ضروری اثبات کارآمدی برای پیشرفت باشـد اما اثبات بیرونی‌بودن نسـبت بـه روابط قدرت و طبقه مرفه جدید هم شـاخص مهمی است که توأمانی آن با دیگر شـاخص‌ها، مؤلفه‌های بنیادین رئیس‌جمهور تراز دهه چهارم انقلاب اسلامی را می‌سازد.

رهبر معظم انقلاب

کسانی سر کار بیایند که مصداق: «انّ الّذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقاموا» باشند

ولی‌امر

ویژگی‌های اصلح در بیان رهبر معظم انقلاب

نامزد انتخابات اولاً باید به خدا و به این انقلاب و به قانون اساسی و به این مردم ایمان و اعتقاد داشته باشد؛ ثانیاً دارای روحیه مقاوم باشد ...

هدف جبهه دشمنان شما، نقطه مقابل هدف شما است. شما که در انتخابات شرکت می‌کنید، دنبال یک فرد اصلحی می‌گردید که بتواند کشورتان را با همین سـرعت، بلکه بیش از این، پیش ببرد؛ هم در عرصه مادی، هم در عرصه معنوی. شـما دنبال انتخاباتید، برای اینکه کسی یا کسانی، دولتی، رئیس‌جمهوری بتواند عزت شما را بالا ببرد، استقلال شما را عمیق‌تر کند، وضع زندگی شما را بهتر و مرفه‌تر کند، گره‌ها را باز کند، امید و شور و شوقی در کشور به‌وجود آورد؛ اما دشمن شما درست بعکس، مایل است انتخاباتی انجام بگیرد - حالا که بنا است انجام بگیرد؛ البته اگر می‌توانستند کاری کنند که انتخابات انجام نگیرد، آن کار را می‌کردند؛ اما حالا که بالاخره چاره‌ای ندارند و انتخابات انجام خواهد گرفت - که برای آینده کشور این محسّنات را نداشته باشد؛ بلکه کشور را به سمت وابستگی، به سمت ضعف، به سمت عقب‌ماندگی در صحنه‌های گوناگون حرکت دهد؛ کشـور را به عقب بکشـاند، به عقب براند؛ آنها هدفشان این است. پس دو تا هدف در مقابل هم قرار دارد:

هدف ملت ایران

هدف جبهه دشمنان

مقصود دشمن چگونه حاصل می‌شود؟

مقصود دشمن با این حاصل می‌شود که انتخابات اولاً سرد برگزار شود؛ مردم بی‌رغبت باشند، عده کمی شـرکت کنند، یک عده‌ای بگویند: آقا چرا شـرکت کنیم؟ فایده‌اش چیست؟ ما نمی‌خواهیم بیائیم. اینها دشمن را خوشحال می‌کند

ثانیـاً نتیجه‌ای کـه از صندوق‌ها بیـرون می‌آید، نتیجه‌ای باشد که دولت را، به تبع دولت، ملت را به سـمت وابستگی بیشتر، به سمت تبعیت بیشتر، به سمت قرار گرفتن در سیاست‌های دشمنان قرار دهد؛ دشمن این را می‌خواهد. پس ببینید، صحنه روشن است؛ معلوم است شما چه می‌خواهید، معلوم است دشمن چه می‌خواهد.

آنچه که در این فاصله و در این فرصت مهم است، این است که مردم علاوه بر همت بر حضور، همت بر انتخاب خوب هم داشته باشند. همان‌طور که عرض کردیم، یک انتخاب خوب، یک انتخاب درست، نه فقط در طول چهار سال، گامی در طول دهها سال تأثیراتش برای کشور باقی می‌ماند. برای انتخابِ خوب باید فکر کرد، باید معیارها را شناخت. ...؛ اما اجمالاً معیار اصلی این است که کسـانی سر کار بیایند که همشتن بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدف‌های انقلاب باشد. آنچه ما در این سـال‌های طولانی از خیرات و برکات به دست آورده‌ایم، به برکت هدف‌های انقلاب بوده است؛ هر جایی که ما کم آوردیم، عقب ماندیم، شکست خوردیم، به خاطر غفلت از هدف‌های انقلاب اسـلامی و هدف‌های اسلامی بوده است. کسانی سر کار بیاینـد که مصداق: «انّ الّذین قالـوا ربّنا الله ثمّ استقاموا» باشند؛ اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زهـدی پولادین از یاد خـدا و از توکل به خدا بر تن خودشان بپوشند و وارد میدان شوند. شعارها را نگاه کنید، ببیند شعارهایی که تعیین می‌کنند، چه جور شعارهایی است؟ [۹۲/۲/۲۵]

رئیس‌جمهور، هم باید کاری باشد، هم باید مردمی باشد، هم باید مقاوم باشد، هم باید ارزشی باشد، هم باید باتدبیر باشد، هم باید پایند به قوانین و مقررات باشـد - مجری قانون اسـت - هم باید درد مردم را احساس کند، هم باید طبقات مختلف مردم را ببیند؛ اینها خصوصیاتی است که در انتخاب آن کسی که ما می‌خواهیم کلید اجرایی کشور را به او بسپریم، نقش دارد. ما مردم در این زمینه تصمیم‌گیریم. هیچ‌کس هـم نگوید کـه رأی من یـک نفر چه اثـری دارد. میلیون‌ها از همین یک نفرها تشکیل می‌شود. همه احساس وظیفه کنند و ان‌شاءالله وارد میدان شوند. به توفیق پروردگار، همین‌جور هم خواهد شـد. مسلّماً امنیت کشور، مصونیت کشـور، پیشرفت کشور، با حضور همگانی و حداکثری مردم افزایش پیدا خواهد کرد و این کشور به توفیق الهی خواهد توانست یک گام دیگر به سمت اهداف والای انقلاب اسلامی پیش برود. [۹۲/۲/۱۶]

نامـزد انتخابات اولاً باید به خدا و به این انقلاب و به قانون اساسـی و به ایـن مردم ایمان و اعتقاد داشـته باشـد؛ ثانیاً دارای روحیه مقاوم باشد. این ملـت اهداف بلنـدی دارد، کارهـای بزرگی دارد، تسـلیم نیسـت، کسی نمی‌تواند با این ملت با زبان زور حرف بزند. کسـانی کـه در رأس قوه اجرایی قرار می‌گیرند، باید کسـانی باشـند که در مقابل فشارهای دشمنان مقاوم باشند؛ زود نترسند، زود از میدان خارج نشوند؛ این یکی از شرط‌های لازم است. ثالثاً انسان‌های با تدبیری باشند، با حکمت باشـند. ما در سیاسـت خارجی گفتیم «عزت و حکمت و مصلحت»، در اداره کشـور هم همین جور است، در مسائل داخلی هم همین‌جور است، در اقتصاد هم همین‌جور اسـت؛ باید با برنامه، با حکمت، با تدبیر، با نگاه بلندمدت و همه‌جانبه، با یک هندسه صحیح کارها را مشاهده کنند، نگاه کنند، وارد میدان شوند. [۹۲/۲/۷]

در نهایـت، رأی مردم تعیین‌کننده اسـت. آنچـه کـه اهمیت دارد، تشـخیص شـما و رأی شما اسـت. باید خودتان تحقیق کنید، ملاحظـه کنید، دقـت کنید، از انسـان‌های مورد اعتمادتان بپرسید، تا به اصلح برسید و اصلح را انتخاب کنید. ... نگاه کنید، تشخیص بدهید، اصلح را بشناسید و برای ادای تکلیف، اسم او را به صندوق رأی بیندازید.

[۹۲/۱/۱]

> **کسانی سر کار بیایند که مصداق: «انّ الّذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقاموا» باشند؛ اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زرهی پولادین از یاد خدا و از توکل به خدا بر تن خودشان بپوشند و وارد میدان شوند**

نقل قول

تکلیف ما این است

آیت‌الله مصباح یـزدی | در مراحل و شرایط مختلف زندگی همواره باید به دنبال این باشیم که وظیفه و تکلیفی که خداوند به عهده ما گذاشته است چیست و به آن عمل کنیم. این که نتیجه چه می شود به ما مربوط نیست، این را باید به خداوند واگذار کنیم.

باید کسـی را انتخاب کنیم کـه باورش بـه اسـلام و اهتمـام به پیاده‌کـردن ارزش‌هـای اسـلامی بیشـتر است. ارزش‌هـای اسـلامی هم شـامل اعتقادات، دین و ارزش‌های رفتاری مردم و فرهنگی می‌شود، هم مسـایل اقتصادی، سیاسی هم در داخل و هـم در موضع‌گیری‌ها خارجی ما در برابر کشـورهای دیگر را در بر می‌گیرد. توجه یا عدم توجه به مسائل فرهنگی، سازش یا عدم سـازش با آمریکا، داشتن یا نداشتن روحیه مقاومـت، عافیت‌طلبـی یا داشـتن روحیه جهادی از مواردی اسـت که باید در انتخاب کاندیدای اصلح به آن توجه داشت.

طاغوتی‌ها حق حکومت ندارند

حسـن رحیم‌پـور ازغـدی | از منظر قرآن، کسانی که به دنبال اشرافیت هستند، امانت در مدیریـت را رعایت نمی‌کنند، به دنبال فامیل‌بازی و باندبازی هستند، انقلابی و مبارز نیستند، اهل مشورت نیستند، دچار تکبر و استبداد هستند، اینها طاغوتی‌اند و حق حکومت بـر مردم را ندارنـد، افرادی که لجباز هسـتند، زیاد حـرف می‌زننـد و کـم عمـل می‌کننـد و در رفتارشان افراط و تفریط وجود دارد، اینها کسانی هسـتند که اهل بصیرت نیسـتند و نباید چنین افرادی را برای حکومت انتخاب کرد. کسانی که پیش از این‌ها انقلابی بوده‌اند، اما افکارشـان تغییر کرده است، شایسـتگی حکومت بر مردم را ندارند، کسانی که مردم را تحقیر می‌کنند و یا برای خدمات منت بر مردم می‌گذارند، اشرافیت‌گر هستند، علم ندارند، به متخصصان بها نمی‌دهند، صندلی حکومت بر مردم جایگاه‌شان نیست.

رئیس‌جمهور آینده مسیر را ادامه دهد

عبدالحسین خسروپناه | انقلاب اسلامی زائیده عقلانیت اسلامی است که از یک طرف به سنت گذشته و میراث فرهنگی توجه دارد و از سوی دیگر نسبت به دنیای مدرن نگاهی گزینشـی و انتقـادی دارد و بـه دنبال ایجاد تمدن بزرگ اسـلامی اسـت. رئیس‌جمهور آینده باید کسی باشـد که این مسیر را ادامه دهـد و اجرایی‌شـدن سـند چشـم‌انداز، تحـول در علوم‌انسـانی، مهندسی‌فرهنگی، اجرایی شـدن سـند دانشـگاه اسلامی، نقشه جامع علمی کشـور و الگوی اسـلامی-ایرانی پیشـرفت را جدی بگیرد و دغدغه جدی مبتنی بر شاخص‌های حکمت اسلامی داشته باشد. این نمی‌شود مگر تکیه بر «گفتمان مقاومت پیشـرفت‌گرایانه». اگر نگاه عقب‌گرد داشته باشد و بخواهد در مسیر بی‌توجهـی به مبانـی و ارزش‌های اسـلامی حرکت کند به سازش فکری و عملی و اجرایی منتهی می‌شود.

ان‌شاءالله هنگامه حزب‌الله فرا رسیده

یوسفعلی میرشکاک، شاعر و نویسنده انقلاب | من از جلیلی حمایت می‌کنم، چرا که جلیلی دزد نیسـت. در عرض این سی و چهار سـال، یک مصداق برای ولایت‌پذیری درسـت پیدا کردم و یک انسـان شریف در میان اهل سیاسـت دیدم که می‌شـود پای کارش ایسـتاد و ان‌شاء الله پای کار جلیلی ایستاده‌ایم تا آخر خط.

شرافت انسانی و دینی را در عرصـه سیاسـت داخلـی و خارجـی بـه نمایش گذاشته است.

نمود باورمندی دینی ایشان است در میان تمام آن‌هایی کـه داوطلب خدمت به مردم شـدند. ان‌شـاء الله که هنگامه حزب‌الله فرا رسـیده باشد و هنگامه ولایت و اهل ولا فرا رسیده باشد که دیگر ما اسیر دزدها و دغل‌ها و غارتگران بیت‌المال نباشیم.

ان‌شاء الله.

اعمال نفوذ در انتخابات ایران

وندی شـرمن، معاون امور سیاسـی وزارت خارجـه آمریکا | [در نشسـتی با موضوع سیاسـت‌گذاری آمریکا در قبال ایران]: بعید می‌دانم کسی در میان ما باشد که بداند در این دوره از انتخابات چه اتفاقی خواهـد افتاد. ما انتظـار نداریم همه آنچه را جنبش سـبز انجام داد، دوباره مشاهده کنیم؛ و جنبش سبز در جریـان انتخابات سـال ۲۰۰۹، اساساً روی تقلب در انتخابـات و نه تغییر رژیم در ایـران متمرکز شـده بود. بنابراین هرآنچـه در توان داریم بـه‌کار می‌گیریم تا در جریان این انتخابات اعمال نفوذ کنیم. اقدامات مختلفی می‌توان انجـام داد که در مورد برخـی از آنها باید در جلسات محرمانه خود صحبت کنیم، اما آنچه به‌صورت عمومـی می‌توان ذکر کرد این اسـت که می‌توانیم از سفارت مجازی خود برای به اشـتراک گذاشـتن اطلاعات خود با مردم ایران بهره ببریم.

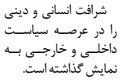

بیان

رقابت برای کسب قدرت؟!

آنچه می‌خوانید بخشی از بیانات حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله در بیروت در جمع هواداران حزب‌الله است.

درباره خودم و برادرانم صحبت می‌کنم. -بگذارید بگویم بسیاری از برادرانم تا کسی پیدا نشود بگوید یکی از برادرانت این‌طور نیست.- ما قدرت‌طلب نیستیم. ما دنیاطلب‌نیستیم. بر سر این لاشه با کسی رقابت نمی‌کنیم. همه این قدرت، این دولت، این میزها، این مدیریت‌ها و ایـن جایگاه‌ها برای مـا ذره‌ای ارزش نـدارد. ذره‌ای ارزش ندارد و دنبال آن هم نیستیم.

آرزوی تک‌تک ما در حزب الله ... آرزوی هر کدام از برادران ما این است که به سیدعباس، شیخ راغب و حاج عماد بپیوندد، آرزوی هر کدام از خواهران ما این است که به شهیده امیاسر و دیگر خواهران شهید ملحق شـود. ما به دنبال آخرت هستیم. اگر در این دنیا کار می‌کنیم چون مسؤولیم. به خاطر این نیست که به دنیا علاقه داریم یا هدف ما رسیدن به دنیاست.

این دنیای ناچیز، گذرا و بخیل شـما بـرای ما حتی به اندازه یک بند کفش(خطبه۳۳) و آب بینی بز(خطبه۳) هم نمی‌ارزد. ما اهالی آخرتیم و به دنبال آن می‌گردیم.

ما خواسـتار همزیستی مسالمت‌آمیز، عدالت و اصلاحات در کشور هسـتیم. حتی اگر به دسـت کسـی غیر از ما صورت بگیرد. هر کس بیاید کشور را بگرداند، اصلاحات انجام دهد، فساد را از بین ببرد و امنیت و ثبات برقرار کند ما با او هستیم و حمایت و کمکش می‌کنیم. ما در این زمینه با کسی رقابت نداریم. مقصد و هدف شریف، انسانی، اخلاقی، دینی و ملی ما همین است.

مـا خواسـتار وحدت ملی لبنانیـان و وحدت همه طوائـف و مذاهب مسلمانانیم. چون وحدت را مایه قدرت ملت، میهن و امت می‌دانیم.

مردان، زنان، کودکان، سالخوردگان و اهالی این مقاومت از سر تبختر و بزرگ‌منشـی و برای ریا و شـهرت به صحنه نیامدند. ما حتی یک روز هم نخواسـتیم کسـی ما را بستاید، از ما تمجید کند، تصویر ما را بـالا ببرد یا برای ما شـعر بگوید. هـر کاری کرده‌ایم به هیچ‌وجه بـه خاطـر رقابت در رسـیدن به قدرت و لاشـه‌ی دنیا نبوده اسـت. (خطبه ۱۳۱) فقط برای ادای وظیفه‌ی الهی‌مان در جهت دفاع از میهن، دیـن و کرامتمـان بوده. و آن‌چه توقع و امیـد آن را داریم و به دنبال آن هسـتیم، نزد خداسـت. خدایی که پاداش مجاهـدان، تلاش‌گران و صابـران را تمام و کمـال به ما خواهد داد. مقاومت ما این اسـت. این بوده، امروز هم همین است و این گونه خواهد ماند.

بشارت

إِنَّ الَّذِینَ قالـوا رَبُّنَـا اللهُ ثُـمَّ اسْتَقامـوا تَتَنَزَّلُ عَلَیهِمُ الْمَلائِکَه أَلاّ تَخافـوا وَلا تَحْزَنُوا وَأَبشِروا بِالْجَنَّـه الَّتـی کُنْتُـم تُوعَدونَ

[سوره مبارکه فُصّلت آیه ۳۰]

بـه یقین کسـانی کـه گفتنـد: «پـروردگار ما خداوند یگانه اسـت!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!

إِنَّ الَّذینَ قالوا رَبُّنَا اللهُ ثُمَّ اسْتَقاموا فَلا خَوفٌ عَلَیهِم وَلا هُم یَحزَنونَ

[سوره مبارکه الأحقاف آیه ۱۳]

کسـانی که گفتند: «پـروردگار ما الله اسـت»، سپس اسـتقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

خبر

۱ روزنامه آمریکایی واشـنگتن پست در مقاله‌ای با بررسی ویژگی‌های دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان، سعید جلیلی را شـخصی انعطاف‌ناپذیـر، ایدئولوژیک، ضدآمریـکا و نزدیـک به رهبـری ایران توصیـف کـرده و اذعان داشـته: به نظر می‌رسد جلیلی در انتخابات پیشتاز باشد.

ماکـس فیشـر نویسـنده ایـن مقاله می‌افزاید: فصاحت و بلاغت از ویژگی‌های یک کاندیدای ریاست‌جمهوری محسوب می‌شـود و این‌طور که رفتـار جلیلی در گذشته نشان داده، وی علاوه بر خصوصیت مذکور، یکی از منتقدان سرسخت آمریکا و مدافع سیاسـت «مقاومت» به شـمار می‌رود و ظاهرا یک فرد باایمان و قوی برای ریاست‌جمهوری ایران در راه است.

جلیلی در مصاحبه‌های خود بارها گفته است که آمریکا در طول ۳۴ سال گذشته نتوانسته سیاسـت موفقی در قبال ایران داشـته باشـد و از این به بعد هم نخواهد توانست و این نشان می‌دهد که آمریکا با شخص بسیار محکم‌تری روبه‌روست.

ایـن روزنامه می‌نویسـد: بـر اطلاعات رسـیده، جلیلی از عوامل مهم تهیهٔ نامهٔ ۱۸ صفحـه‌ای تاریخـی احمدی‌نـژاد به جرج‌بوش بوده است.

۲ کانون دانشـگاهیان ایران اسـلامی با صدور بیانیه‌ای، ضمن تشریح معیارهای مطرح شده از سوی حضرت امام و رهبر فرزانه انقلاب دکتر سـعید جلیلی را به عنوان نامزد نهایی خود برگزید.

در این بیانیه ویژگی‌های دکتر جلیلی این‌گونه بیان شـده اسـت: اشـراف به همه مسـایل اساسی کشـور در تمامی حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسـی به دلیل مسوولیت خطیر در شورای عالی امنیت ملی، شناخت عمیق از شرایط پیچیده بین‌المللی و رفتارهای متکبرانه استکبار جهانی، اقتدار و صلابت ایشـان در دفاع از حقوق، منافع ملی و حفظ عـزت ایران اسـلامی در خارج از مرزها، عملکرد فعال در برابر حرکت‌های خبیثانه دشـمن، برخورداری از روحیه بهره‌گیری از ظرفیت‌های گوناگون کشور در جهـت مدیریت کارآمـد و اثربخش، اعتقـاد به پیشـرفت تـوام بـا عدالت، ساده‌زیسـتی و خلوص نیت، نشـاط و اسـتقامت و صلابت، نخبه و دانشگاهی بودن، آرمان‌گرایی و در راس همه آن‌ها، پیروی کامل و التزام عملی به آموزه‌های اسلامی بویژه ولایت مطلقه فقیه و تلاش در پاسـداری از حفـظ دسـتاوردهای انقـلاب اسـلامی و خون شـهیدان، از ایشـان واجد ویژگی‌هایی ساخته است که می‌تواند کشـور را در مسیر مطلوب برای دست‌یابی هرچه افزون‌تر به تعالی، پیشرفت و عدالت قرار دهد.

آنچـه می‌خوانید بخشـی از بیانات آیـت‌الله جوادی آملـی در دیدار با دکتر سعید جلیلی است.

دین شامل دو عنصر حیاتی شریعت و سیاست است. شریعت احکام فراوانی دارد؛ ولی نماز سـتون دین اسـت. در سیاسـت اسلامی هم عناصر فراوان هست، اما مردم سـتون آنند.

بر اسـاس نامه ۵۳ امیر مومنان خطاب به مالک اشـتر، عماد و عمود دین در حوزه سیاسـت اسـلام، عامه مردم هستند و کسی که حرف مردم را بزند، ولی مشکل بیکاری را حل نکند مصداق لم تقولون مالا تفعلون است.

کسـی کـه بـه این خون‌هـای پاک توجه نکنـد، دریای بی‌کـران خون شـهیدان او را کنار می‌زند، چنان که هر کس در این ۳۴ سـال با خون شهیدان بازی کرد، کنار زده شد و اکنون خانه‌نشین است.

در این کشور به لطف الهی همه‌چیز هست. این تحریم‌ها که مقطعی و ناقص است. حتی اگر تحریم صد درصد باشـد و دور ما را سـیم خاردار بکشـند که حتی نتوانیم با کسـی تماس داشـته باشیم، این کشور می‌تواند خودش را اداره کند.

الان جوان‌های ما قدرت و نورانیت دارند. امکانات و نیرو هم در کشور زیاد است و رئیس‌جمهور باید کار را مهندسی و مدیریت کند.

تحلیل

درباره تاریخچه تکنوکراسی در ایران و غرب، نسبت انقلاب اسلامی با تکنوکراسی، جایگاه استفاده از متخصصین در فضای انقلاب و نیز بررسی وضعیت کنونی مواجهه انقلاب و تکنوکرات‌ها در جامعه ایران

عدم راه‌یابی تکنوکرات‌ها به رأس نظام نشانه پیشرفت انقلاب است

شهریار زرشناس | عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

در لغت از تکنوکراسی به فن‌سالاری تعبیر شده است. البته این تعبیر ترجمه صحیحی نیست و اگر بخواهیم ریشه ظهور تکنوکرات‌ها و همین‌طور ماهیت تکنوکراسی را پیگیری کنیم می‌باید تاریخ عالم غرب مدرن از نیمه دوم قرن ۱۸ به بعد را مرور کنیم. با ظهور انقلاب صنعتی که موج اول آن در سال ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ بوده، ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع مدرن به شدت تغییر می‌کند و در رهاورد انقلاب صنعتی نقش «تکنیک مدرن» بسیار تاثیرگذار و حتی می‌توان گفت تعیین‌کننده نیز هست و ارکان زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی را دگرگون کرده است.

برای اینکه چرخ‌های این اجتماع که به یک اجتماع تکنیکی در حال تبدیل است به کار خود ادامه دهد و بچرخد یک طبقه اجتماعی جدید بروز می‌کند که تربیت‌شدگان علم مدرن هستند و اصلا قرار است که چرخ‌های این نظام مدرن و تکنوکراسی را به چرخ درآورند. این افراد معمولا یا تحصیل‌کردگان علوم فنی هستند و یا علوم انسانی.

تکنوکرات‌ها یک طبقه جدید اقتصادی- اجتماعی هستند که به طور مشخص محصول انقلاب صنعتی در عالم مدرن‌اند و جهان‌بینی، افکار، نظام اندیشه، سبک زندگی و آداب و عادات و الگوهای اخلاقی‌شان نوعا از جهان‌بینی ظلمانی عصر جدید گرفته شده است. در واقع به لحاظ ظهور تاریخی جریان موسوم به تکنوکرات‌ها و جریان روشنفکران مدرنیسم و جریان طبقه متوسط مدرن با همدیگر در یک پیوند بسیار نزدیک قرار دارند. این قشر از لحاظ اجتماعی و اقتصادی تدریجا جایگزین و کارگزار کلان سرمایه‌داری سکولار مدرن می‌شوند و به عنوان مدیران اجتماعات مدرن جوامع مدرن عمل می‌کنند.

در واقع خیلی از اساتید دانشگاهی و پزشکان و وکلا و مهندسین و اقتصاددان‌ها و ... که در زمره تکنوکرات‌ها هستند؛ به لحاظ کارکردی که در جامعه دارند قابل نقد نیستند اما آنچه که قابل نقد است نگاه آنهاست. نگاهی که خطرناک و قابل نقد است چیزی است که جامعه را به سمت مدرنیزاسیون سوق می‌دهد. از نخستین کسانی که چنین نگاهی را با خود داشتند می‌توان به سن‌سیمون در فرانسه (۱۸۳۷) و آگوست کنت (۱۸۷۵) که بانیان علوم انسانی مدرن هم هستند اشاره کرد. این افراد اولین کسانی هستند که با نگاهی مثبت و تاییدآمیز از این پدیده استقبال می‌کنند.

بروز تکنوکراسی نهایتا در اوایل قرن بیستم چنان گسترده می شود که جامعه‌شناسان مختلف نسبت به این مساله می‌پردازند و تکنوکراسی در پیوند با دموکراسی به عنوان موضوعات مهم جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی مطرح می‌شود. در این حالت دیگر بیش از پیش و رسما با طبقه تکنوکرات بروکرات روبه‌رو هستیم. علاوه بر صفاتی هم که بر این قشر شمرده شد باید گفت که این گروه طبقه‌ای است که حامل ارزش‌های لیبرالی است و در حقیقت مبلغ و مروج آن نیز به شمار می‌رود.

کشورهایی که به زعم غربی‌ها توسعه نیافته‌اند و یا در حال توسعه هستند یعنی کشورهایی که غرب برای آنها یک مدرنیزاسیون برنامه‌ریزی شده بی‌ریزی کرده است ، برای اینکه حتی بتواند پایگاه اقتصادی، اجتماعی برای رژیم های دست‌نشانده‌اش پیدا کند غالبا به این طبقه تکنوکرات تکیه می‌کند

در جامعه‌ای مثل ایران که ارزش‌هایی برآمده از آرمان‌های انقلاب در تقابل با جریان مهاجم فرهنگی و جریان مهاجم لیبرال‌ها و نئولیبرال‌ها است خطر تکنوکرات‌ها از این منظر می‌تواند وجود داشته باشد که اینها به عنوان حاملان و مخاطبان اصلی و مروجان و مدافعان ارزش‌های لیبرالی و نئولیبرالی هستند که در تقابل جدی با آرمان‌های انقلابی و تعهدگرایی انقلابی و رادیکالیسم انقلابی و به ویژه برای هویت اسلامی و ارزش‌های دینی و فکری جامعه باشد. تا وقتی که نگاه تکنوکراسی حاکم شود متعاقبا قدرت را برای آنها به ارمغان می‌آورد و وقتی هم قادر باشند لاجرم ارزش‌ها و مدل‌های لیبرالی و نئولیبرالی سیطره پیدا خواهد کرد. تکنوکراسی را با مدل نظام انقلابی و ولایی به هیچ‌وجه نمی‌توان جمع کرد.

در ایران به ویژه از دورانی که موسوم به عصر سازندگی است خطر تکنوکرات ها و تکنوکراسی به صورت جدی مطرح می‌شود. اصلا بعضی از دولتمردان آن موقع به نحوی پدران و یا پدر تکنوکراسی در ایران هستند. با ظهور این دولتمردان و گسترش تکنوکراسی جریان مهاجم سیاسی و فرهنگی روی اینها سرمایه‌گزاری کرد. چرا که به عنوان پتانسیلی که تدریجا می‌تواند فضای جامعه را در عرصه‌های مختلف به نفع لیبرال‌ها تغییر دهد مطرح بودند. آن زمان سروش با طرح نظریه مدیریت علمی اساسا مساله تکنوکرات‌ها را مطرح کرد. دولتمردان تکنوکرات زمان سازندگی با طرح اینکه حکومت به کارشناس احتیاج دارد و کارشناسان باید حکومت کنند به نوعی دعوی حکومت تکنوکرات‌ها را مطرح کردند. البته که آن پروژه با شکست مواجه شد.

اگرچه جریان پس از سال ۶۸ به دولت و جریان ۷۶ منجر شد و تکنوکرات‌هایی که در عرصه اقتصادی فعالیت می‌کردند بازتاب سیاسی حرکت خود را در جریان به اصطلاح اصلاحی عینیت بخشیدند. اما پروژه اجرایی‌شان شکست خورد و ۱۸ تیر را انجام دادند و باز هم شکست خورد. بعد از روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد و ماجرای سال ۸۴ اینها دوباره با آرایش جدیدی و حتی با نسل جدیدی از خود را وارد میدان سیاست کردند. در حال حاضر هم به عبارتی برای یک خیزش جدید آماده می‌شوند. در زمان کودتای سال ۸۸ هم این جریان کلان سرمایه‌دار لیبرال و نئولیبرال که طبقه تکنوکرات و مدرن متوسط را تشکیل می‌دهند آن را انجام داد البته باز هم شکست خورد. جریان تکنوکرات‌ها در فضای انتخاباتی سعی دارد تا نسل جدیدی را به ظهور برساند که البته خطر بسیار بسیار جدی برای انقلاب و آرمان های انقلاب است.

مدیرانی که سابقه جنگ و سابقه انقلابی داشته‌اند اما تکنوکراسی را مهم و با ارزش تلقی می‌کنند و حتی به این تفکر معتقدند و وقتی که در عملکردشان خصوصا در حوزه فرهنگی واکنش منفعلی در مقابل روشنفکران نشان می‌دهند و یا همین‌طور در مواجهه با جریان سکولار و یا می‌دهند نشان‌گر این است که وضعیت منفعلی دارند و به تکنوکراسی تمایل واضحی دارند. مدیرانی که در ظاهر ظواهر دینی دارند و متشرع هم هستند و ممکن است در باورهای خودشان صادق هم باشند اما تصورشان این است که تکنوکراسی راه حل مشکلات جامعه ایران است. باور و جهان‌بینی این گروه طوری است که مسائل را می‌خواهند از طریق اصول تکنوکراسیک حل و فصل دهند. الگوهای تکنوکراتیک را راه‌های سالمی می‌دانند که به مقصود خواهد رسید. البته فکر می‌کنند که تکنوکراسی ابزاری است که هیچ معارضه‌ای با انقلاب و آرمان‌های آن ندارد. به همین‌خاطر به راهی می‌افتند که خواه ناخواه به دنبال اغراض لیبرالی و نئولیبرالی است. هم اکنون هم اگر به بعضی از این مدیران دقت کنید به تیم‌هایی که در فضای مطبوعاتی و فرهنگی اطرافشان هستند خواهید دید که باز هم در دام افراد لیبرال و نئولیبرال حتی در فضای فرهنگ افتاده‌اند. طبیعی است که اگر با همین نگاه این مدیران وارد صحنه اجرایی شوند سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی لیبرالی را حاکم خواهند کرد. اقتصاد و سیاست و فرهنگ ما اگر در دست این افراد نئولیبرالیست بیافتد که پشت نقاب تکنوکراسی پنهان شده‌اند، ساز جدیدی از تعامل با آرمان‌های انقلابی خواهند نواخت که این مساله بسیار خطرساز است و دفع این خطرات نیز بسیار پرهزینه خواهد بود. اگرچه با وجود رهبر انقلاب و بنیه‌های انقلابی سپاه و حزب‌الله نمی‌توانند مسیر را عوض کنند اما می‌توانند روزنه‌ساز باشند.

باید در نظر داشت که با به حاکمیت‌رسیدن تکنوکرات‌ها و نسل جدیدِ آنها به هر حال روزنه‌های فرهنگی مهمی در کشور باز خواهد شد که نه لزوما فتنه اما انقلاب را با چالش‌های جدی و پر هزینه روبه‌رو خواهد کرد. تقابل‌های جدی در رده‌های بالای نظام شدت خواهد گرفت و سمت‌گیری‌های لیبرالی و نئولیبرالی رو به تزاید خواهد گذاشت و در نتیجه آرمان‌گرایی انقلابی دچار ضعف می‌شود و ممکن است که حامیان نظام که اکثرا اقشار فرودست جامعه هستند آزرده شوند و این وضعیت‌ها و نگاه‌ها سنگ لای چرخ سیاست خارجی فعال نظام در عرصه بین‌المللی ایجاد کند.

> **جریان تکنوکرات‌ها در فضای انتخاباتی سعی دارد تا نسل جدیدی را به ظهور برساند که البته خطر بسیار بسیار جدی برای انقلاب و آرمان‌های انقلاب است**

بحث بر سر این نیست که این تخصص‌ها را فرانگیریم یا از الزامات جهان مدرن در جاهایی که ناگزیر هستیم بهره نبریم یا با جامعه‌شناسی و علوم سیاست آشنا نشویم. بحث این است که این تصور که حکومت به دست تکنوکرات‌ها اداره شود و نگاه تکنوکراتیک حاکم شود غلط است. می‌توان از طیفی از کارشناسان بهره برد، اما این کارشناسان حق سیاست‌گذاری و تعیین مشق برای جامعه را ندارند. روسا و مدیران جامعه نباید با معیارهای تکنوکراتیک نظرسنجی، قضاوت و حتی تعیین سیاست کنند.

اگر چنین کاری بشود و تعیین سیاست‌ها تکنوکراتیک شود مسلما جامعه هم در عرصه فرهنگ و هم در عرصه اقتصاد در بستر نئولیبرالیسم اقتصادی و فرهنگی و غیره درمی‌غلتد. قرار نیست که برای انقلاب این تکنوکرات‌ها تعین و تکلیف بکنند. اگر عکس این قضیه صورت بگیرد ما در سیستم جهانی هضم می‌شویم. اما توجه هم بکنیم که هر مهندسی و پزشکی لزوما تکنوکراتیک نیست. ما در میان کاندیداها با کسانی روبه‌رو هستیم که اینها فکر می‌کنند تکنوکراسی چیز بدی نیست. فکر می‌کنند می‌توانند از نگاه تکنوکراتیک استفاده کنند. تکنوکراسی زمانی معنی می‌یابد که متخصص امکان داشته باشد تا نگاه خود را حاکم کند. این حرف که ما تکنوکرات مسلمان هستیم مانند حرف آن فردی است که می‌گفت ما حزب لیبرال دموکرات مسلمان هستیم! او متوجه نمی‌شد لیبرالیسم امکان جمع با اسلام را ندارد. این مطلب در مورد تکنوکراسی هم صادق است. تکنوکراسی یک نگاه و جهتی است که ذاتیاتی دارد و داخل خودش ارزش‌ها و رویکردهای خاص خود را دارد که اتفاقا خط و خطوط محکمی هم دارد.

یکی از مشکلات ما در انقلاب همین است که تکنوکرات‌ها برای ما تصمیم‌سازی کرده اند. این افراد در کشور ما قدرت گرفتند. ما نیازمند آن هستیم که افراد انقلابی قدرتمند و متخصص تربیت کنیم. البته همین که سال ۶۸ جریان تکنوکرات‌ها به راحتی به قدرت می‌رسیدند اما در حال حاضر با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند، یعنی اینکه ما پیشرفت کردهایم و خیلی از ملزومات اداره انقلابی کشور را فرا گرفته‌ایم.

تبلیغات و فعالیت کاندیداها بر اساس اخلاق اسلامی باشد

آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی

نور

آنچه می‌خوانید پیام آیت‌الله العظمی نوری همدانی به همایش اخلاق انتخاباتی و حماسه سیاسی است. در این پیام آمده است: اکنون انتظار مردم شریف و متعهد ایران نیز این است که تبلیغات و فعالیت کاندیداهای محترم بر اساس اخلاق اسلامی باشد و هرگز با انتقاد و تخریب دیگران توأم نباشد ...

الحمدالله رب العالمین و الصلوه و السلام علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین،

سیما بقیه‌الله فی الارضین

با عرض سلام و تحیت به آن مجمع محترم

یکی از معارف بلند قرآن مجید و فرهنگ اهل بیت عصمت علیهم‌السلام این است که انسان‌ها وظیفه دارند نخست خود را براساس اصول ایمان، علم، عقل و تقوا و تعهد بسازند از آن پس با توجه به موازین حیات طیبه با تشریک مساعی و انسجام و اتحاد و یکپارچگی یک جامعه برومند، مترقی و متکامل اسلامی را برای خویش ایجاد کنند.

به عبارت دیگر خداوند متعال در مورد ساختار جامعه به انسان‌ها اختیار داده است و چنین مقدر نموده است که خودشان در سایه ارزش‌های الهی با همت بلند و اراده قاطع، جامعه‌ای برومند و متکامل در همه ابعاد فرهنگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، معنوی و مادی به وجود بیاورند که این سنت الهی و قرآنی است «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیرو ما بانفسهم» بنابراین مسؤولیت مردم نسبت به ساختن جامعه ای که در آن زندگی می کنند بسیار شدید است. حضرت امیرالمؤمنین علیهم‌السلام در خطبه‌ای که در آغاز حکومت برای مردم خواندند فرمودند: «اتقوا الله فی عباده و بلاده فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم: درباره بندگان خدا و شهرها و مساکن زندگی، حتی درباره زمین‌ها و حیوانات مسؤولیت دارید و از خداوند متعال در رابطه با همه این‌ها بترسید.»

حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها که به مسجد برای خطبه خود آمدند در ابتدا کلام خود پس از حمد الهی مردم را مورد خطاب قرار دادند و از مسؤولیت شدید آنها سخن گفتند. از طرفی به این موضوع نیز توجه داریم که در زمان مردمی که قرن‌ها در زیر سیطره استبداد و استکبار تمام کرامت‌های انسانی خود را از دست داده بودند و جامعه نیز از ارزش‌های الهی تهی شده بود. امام خمینی با توفیق پروردگار متعال به پا خواست و به منظور احیای مجدد ارزش‌های اسلامی و ایجاد یک جامعه دینی، پرچم مبارزه خود را برافراشت، مردم متعهد و هوشمند ایران زیر آن پرچم عزت‌آفرین گرد آمدند و با فداکاری و تحمل زحمات فراوان و تقدیم شهدا که هم اکنون مزار پربرکت آنها در تمام شهرها و روستاها با ارسال پیام‌ها متجلی است استبداد و استکبار را از این مملکت قلع و قمع کردند و از تمام بحران‌ها که دشمنان اسلام به وجود آوردند عبور نمودند تا اینکه جامعه‌ای با عظمت و اقتدار در این کشور برقرار ساختند.

و نیز از طرف سوم این را می‌دانیم که انقلاب اسلامی ایران با ظرفیت و محتوایی که دارد روز بروز موج‌هایی از بیداگری و ایجاد آگاهی و خودباوری ملت‌های رنجیده را به حرکت در می‌آورد و برای مبارزه با ظلم‌ها و تبعیض‌ها و حق‌کشی‌ها بسیج می کند. اما در برابر این حرکت‌ها، دنیای استکبار و اذناب آن احساس خطر می کنند و با تجهیز قوای شیطانی خود با فکر و فرهنگ اسلامی به مبارزه بر می‌خیزند که هم‌اکنون این جنگ حق و باطل در بحرین و عراق و سوریه و افغانستان و کشورهای اسلامی دیگر حتی اروپا و آمریکا همچنان برقرار است.

در چنین اوضاعی الحمدلله تعالی این ایران اسلامی که با اقتدار و عزت و برقراری امنیت در راه پیشرفت روز افزون گام بر می‌دارد.

اکنون در آستانه انتخابات یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری مورد این خطاب الهی قرار گرفته‌ایم: «ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها» (آیه ۵۸ / سوره نساء) بر اساس مفاد این آیه شریفه بر همه و همه پیر و جوان و زن و مرد لازم است برای اطاعت امر موکد خداوند متعال در عرصه انتخاب حضور پیدا کنند و برای تصدی پست ریاست‌جمهوری با حضور آگاهانه که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند و هشدار دادند که اتاق‌های فکر دشمن برای انتخابات ایران برنامه دارند. «به کسی که به تعبیر قرآن کریم اهل این امانت است و صلاحیت تصدی این پست را دارد رأی بدهیم و با توجه به تعدد کاندیداهای محترمی که به میدان آمده‌اند باید به فرد اصلح رأی بدهیم و اصلح بودن یعنی کسی که آرمان‌های امام راحل اعلی‌الله مقامه را در نظر گرفته است یعنی کسی که با این شاخصه‌ها به میدان آمده است:

۱. تدین و تقوای الهی که برای خدا با اخلاص خود قدم به این میدان گذاشته است که ارزش‌های اسلامی را عملی و برقرار نماید.

۲. اعتقاد کامل به ولایت‌فقیه که یکی از ارکان بسیار مهم این نظام اسلامی ولایی است داشته باشد و آن را ولایت رسول‌الله (صلی‌الله علیه و آله و سلم) بداند.

۳. درک صحیح از همه مشکلات جامعه امروز مخصوصا وضع اقتصادی و گرانی و اشتغال داشته و قدرت رفع این مشکلات را داشته باشد.

۴. مدیر بودن در حدی که امتحان خود را در مدیریت داده باشد و حقوق همه افراد مملکت را در نظر بگیرد و مدیریت خود را بر اساس رعایت همه این حقوق بنیان نهاده باشد.

۵. مردمی بودن که مردمی‌زیستن و نسبت به مردم دلسوز و مهربان بودن و در دسترس مردم قرارگرفتن و متواضعانه با آنها برخورد کردن و به خواسته‌های آنها پاسخ مساعددادن و آنها را راهنمایی کردن و مشکلاتشان را برطرف کردن یکی از ارزش‌های مهم اسلامی است.

۶. شجاع‌بودن و در شجاعت در حدی باشد که با مقاومت و تصلّب در برابر سلطه‌طلبی‌ها و زیاده‌خواهی‌ها اشداء علی‌الکفار بودن خود را بتواند در مرحله عمل اثبات نماید که حکم «و ذوا لو تدهن فیدهنون»

اکنون انتظار مردم شریف و متعهد ایران نیز این است که تبلیغات و فعالیت کاندیداهای محترم بر اساس اخلاق اسلامی باشد و هرگز با انتقاد و تخریب دیگران توأم نباشد که پیغمبر عزیز ما حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«در شناخت اشخاص به نماز خواندن زیاد و روزه گرفتن بسیار و زیاد به مکه رفتن و انجام کارهای نیک چشم‌گیر آنها نگاه نکنید و اینها را معیار قرار ندهید. معیار این است: «انظروا الی صدق الحدیث و اداء الأمانه» راستگویی و صداقت در گفتار و عمل و وعده دادن و اعتقاد معیار است. بالاخره همانطور که رهبر معظم دامت برکاته فرمودند کارهای مثبت را که رؤسای محترم جمهور قبل انجام می دادند به کمال برسانند و کارهای منفی را کنار بگذارد.

و به طور خلاصه منظور عمده، ایجاد حماسه و شرکت پرخروش و حضور همگانی پرخروش تر از ۹ دی و ۲۲ بهمن است که دشمنان اسلام را به‌طور کلی مأیوس کند و ورقه دیگری بر افتخارات این کشور که کشور امام عصر ارواحنا فداه است در این جهاد عظیم با توفیق الهی بیفزاید. ان‌شاء الله تعالی

امام خمینی در وصیت‌نامه راهگشای خود می‌فرمایند: وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس‌جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخابات خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار شود. اگر مسامحه نمایند و روی موازین شرعیه و قانون، انتخاب نکنند چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران پذیر نباشد و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسؤول می باشند.

از این قرار عدم دخالت ملت، از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند همه و همه مسؤول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های دیگر و چه، که در بعض مقاطع عدم حضور و مسامحه گناه می‌باشد که در رأس گناهان کبیره است. پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد و الا کار از دست همه خارج خواهد شد و این حقیقتی است که بعد از مشروطه لمس نموده‌اید و نموده‌اید که چه هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول (به اوست) طبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد با علماء و روحانیون باتقوا و متعهد به جمهوری اسلامی مشورت نمایید که رئیس‌جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشد.

دیگران

واضع دکترین «صلح بر مبنای عدالت و معنویت» سعید جلیلی است

یادداشت زیر بخشی از مقاله «وداع با لاریجانی، غالب یا مغلوب؟» منتشر شده در مجله «شهروند امروز» (به قلم اکبر منتجبی) در تاریخ ششم آبان ۱۳۸۶ است، که به معرفی و بررسی شخصیت و توانایی دکتر سعید جلیلی _ دبیر شورای عالی امنیت ملی و نامزد دقیقه‌نودی یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری _ می‌پردازد. اهمیت این یادداشت در سه‌چیز است، یک، از طرف دوستان و دوستداران سعید جلیلی نوشته نشده است. دو، وقتی نوشته شده است که هیچ‌کس گمان نمی‌کرد جلیلی هم روزی بخواهد وارد گود انتخابات شود. سه، در راستای مخالفت و ایجاد حس بدبینی به احمدی‌نژاد و یاران و گفتمان اولش (یعنی گفتمان ۸۸ به قبل) نوشته شده است.

«سعید جلیلی حدود ۴۲ سال سن دارد. دانش‌آموخته دانشگاه امام صادق در مقطع دکتری علوم سیاسی است. او جانباز است و یک پای خود را در عملیات کربلای۵ از دست داده. سابقه ۱۶سال حضور در وزارت خارجه را دارد. همکاری با مجتبی ثمره هاشمی مشاور عالی رئیس‌جمهور، در بازرسی وزارت خارجه از افتخارات اوست. هواداران دولت، پس از انتصاب او به این سمت، از «سالم بودن، مومن بودن، باشخصیت بودن، فهیم بودن، جوان و پرانرژی بودن» او سخن گفتند. گویی که علی لاریجانی یا حسن روحانی، دبیران اسبق شورای عالی امنیت ملی فاقد این ویژگی‌ها بوده‌اند. حامیان دولت تاکید دارند که «جلیلی همه روزه با خودرو پراید خود از ساعات اولیه طلوع آفتاب تا انتهای شب در وزارت خارجه به کار و تلاش می‌پردازد. همچنین وی از هیچ‌کدام از امکانات معاونان وزارت خارجه استفاده نمی‌کند. جلیلی حتی در ساعات نماز و نهار، شخصا به همراه پرسنل عادی وزارت خارجه در صف نهار می‌ایستد و در میان آنها نماز می‌گذارد.»

پایان‌نامه جلیلی نیز در حوزه سیاست خارجی بود. چنانکه عنوان آن «سیاست خارجی پیامبر» است و اکنون دارای کرسی تدریس «دیپلماسی پیامبر» در دانشگاه امام صادق است. می‌گویند جلیلی یکی از منابع جدی اندیشه‌های رئیس‌جمهور در حوزه سیاست خارجی است. عبارت دکترین «صلح بر مبنای عدالت و معنویت» در عرصه سیاست خارجی که بارها توسط احمدی‌نژاد اعلام شده متعلق به سعید جلیلی است. حتی برخی از نامه‌هایی که احمدی‌نژاد به سران دنیا نوشته نیز از ابتکارات جلیلی قلمداد می‌شود تا آنجا که به عنوان نمونه متن نامه ارسالی احمدی‌نژاد به جرج بوش، حاوی نکاتی از جزوات درسی جلیلی در دانشگاه امام صادق است.

از آنجا که جلیلی در معاونت اروپا و آمریکا وزارت خارجه مشغول بود، گاهی به همراه علی لاریجانی به سفر می‌رفت و از جمله در اغلب ملاقات‌های لاریجانی – سولانا حضور داشته و به خوبی واقف به مذاکرات هسته‌ای است. جلیلی در سن ۳۰ سالگی به ریاست اداره بازرسی وزارت خارجه برگزیده می‌شود و تا سال ۷۵ رئیس این اداره بود. در آن زمان مجتبی ثمره هاشمی در سمت مدیرکلی بازرسی و رسیدگی به شکایات در وزارت خارجه فعالیت می‌کرد. از آن سال به بعد او معاون اداره اول آمریکا تا سال ۷۶ که خاتمی به ریاست‌جمهوری برگزیده شد و کمال خرازی به وزارت خارجه، او در این سمت قرار داشت که این پست از او گرفته می‌شود. سعید جلیلی به دفتر رهبری رفت و در سمت مدیریت بررسی‌های جاری این دفتر فعالیت کرد.

در زمانی که محمود احمدی‌نژاد کابینه خود را تشکیل می‌داد، او از سوی ثمره هاشمی به عنوان وزیر خارجه مطرح شد اما از آنجایی که شناخت کمی نسبت به وی وجود داشت، بحث وزارت وی با تردید روبه‌رو شد. نهایتا او به معاونت اروپا – آمریکا برگزیده شد. در زمانی که بحث ترسیم کابینه مطرح شد نام او در لیست کسانی قرار گرفت که قرار بود جایگزین منوچهر متکی، وزیر خارجه شوند اما بحث ترمیم کابینه به وزارت خارجه کشیده نشد و سعید جلیلی در سمت خود ماندگار شد تا آنکه علی لاریجانی از شورای عالی امنیت ملی رفت.

بدین ترتیب جلیلی که قرار بود در سمت وزیر قرار بگیرد و شانه به شانه وزرای اطلاعات، کشور، اقتصاد و... در هیات دولت بنشیند، اکنون در شورای عالی امنیت ملی، بالادست آن وزرا قرار گرفته است و قرار است مهم‌ترین پرونده‌های سال‌های اخیر در جمهوری اسلامی را هدایت کند. گرچه حدود یک سال و نیم از عمر دولت احمدی‌نژاد بیشتر باقی نمانده است و معلوم نیست که رئیس‌جمهور بعدی چه کسی باشد هرکس دیگر جز محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران شود احتمال تغییر و جابه‌جایی سعید جلیلی بسیار است. »

> **عبارت دکترین «صلح بر مبنای عدالت و معنویت» در عرصه سیاست خارجی که بارها توسط احمدی‌نژاد اعلام شده متعلق به سعید جلیلی است و حتی برخی از نامه‌هایی که احمدی‌نژاد به سران دنیا نوشته‌نیز از ابتکارات جلیلی قلمداد می‌شود**

دلیل

قوه مجریه باید به اسناد بالادستی عمل کند

دکتر علی باقری رییس سنتاد انتخاباتی دکتر جلیلی، دانش‌آموخته و استاد دروس مختلف رشته اقتصاد است. باقری بارها و به عنوان نیروی عملیاتی در جبهه‌های حق علیه باطل حضور پیدا کرده و در دوران تحصیل نیز از دانشجویان ممتاز و برجسته شناخته می‌شد. وی فرزند آیت الله باقری کنی عضو مجلس خبرگان رهبری و از علمای وارسته تهران است.

این‌که حاکم باید ساده‌زیست باشد، از سفارش‌های مؤکد امیرالمؤمنین علیه‌السلام به والیان و از موضوعات مورد تاکید امام و رهبری و اصول گفتمان انقلاب اسلامی است.

این‌که ما بگوییم ۵۰ هزار، دیگری بگوید ۲۰۰ هزار تومان به مردم بدهیم، تنبل کردن مردم است. کشور با کار نکردن و خوابیدن پیشرفت نمی‌کند. ثانیا این پول‌ها را از کجا می‌خواهید بیاورید؟ فرهنگ کار و تلاش چیزی است که دکتر جلیلی آن را در مجموعه هایی که تاکنون در آن‌ها مسؤولیت داشته، به صورت سازمانی و فرهنگ عمومی درآورده و خود ایشان هم در این مورد الگوی بقیه بوده‌اند.

ما در کشور برنامه‌ها و اسناد بالادستی‌ای داریم که مسیر حرکت ما را در یک چشم‌انداز بلندمدت روشن کرده و قوه مجریه باید تلاش کند تا این برنامه‌ها را عملی ساخته و به اهداف مدنظر دست یابد. این رویهٔ صحیحی نیست که هر دولتی که بر سر کار آمد بگوید من این‌ها را قبول ندارم و برنامه‌های خودش را بدهد. پس این برنامه‌ها را چه کسی می‌خواهد اجرا کند؟ دولت در واقع امر «قوه مجریه» است و باید به اسناد بالادستی عمل کند؛ نه این‌که با برهم‌زدن ساختار برنامه‌ریزی کشور به اسم برنامه‌ریزی، همه برنامه‌ها و اسناد بالادستی را دچار اختلال کنیم.

تیم داشتن با باند داشتن بسیار متفاوت است و آقای دکتر جلیلی اهل باندبازی نیستند اما ایشان به علت سابقه اجرایی‌ای که داشته‌اند افراد لایق نهادهای مختلف را می‌شناسند و در سابقه خود با بسیاری از افراد کارآمد دانشگاهی و اجرایی کار کرده‌اند.

این گفتمان حضرت امام است و این سیاست را بارها اعلام کرده‌اند که به دنبال افزایش نفوذ اسلام و کاهش تاثیر نظام سلطه در جهان هستیم

بیان

وظیفهٔ رئیس‌جمهور آزاد کردن همهٔ ظرفیت‌ها برای تحقق گفتمان انقلاب اسلامی است

سخنرانی دکتر جلیلی در اولین همایش انتخاباتی

اولین همایش انتخاباتی دکتر سعید جلیلی کاندیدای یازدهمین دورهٔ انتخابات ریاست‌جمهوری با عنوان «مقاومت، رمز پیشرفت» عصر جمعه سوم خرداد - همزمان با سالروز آزادسازی خرمشهر و روز مقاومت، ایثار و پیروزی- در سالن شهید افراسیابی ورزشگاه شهید شیرودی تهران برگزار شد.

دکتر جلیلی در جمع هزاران نفری حاضران در این همایش ضمن تبریک ولادت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و سالروز حماسه فتح خرمشهر گفت: علت اینکه ۱۳ رجب را تبریک می‌گوییم این است که این روز بشارت به یک موعودی است که به وی خطاب می‌کنیم، شهادت می‌دهیم که «تو در راه خدا جهاد کردی و تا آخر در این مسیر ثابت‌قدم باقی ماندی» و آنچه که اهمیت دارد این است که به وی می‌گوییم: «تو این کارها را تا لحظه آخر عمر انجام دادی». جلیلی ادامه داد: امیرمؤمنان کسی است که وقتی می‌خواهد فردی را به عنوان کارگزار نظام اسلامی قرار دهد، اهدافی برای او تعیین می‌کند که این اهداف دنیا و آخرت مردم را دنبال می‌کند و تمایز نظام اسلامی را با دیگر نظام‌ها چنین اهدافی اعلام می‌کند. جلیلی با اشاره به نامه امیرالمؤمنین به مالک‌اشتر گفت: در ابتدای نامه حضرت امیر علیه‌السلام به مالک‌اشتر دو شاخص مهم را برای همه کارگزاران مکتب علوی بیان می‌کنند و می‌گویند ای مالک! سعادت، پیشرفت و تعالی مگر با پیروی از فرائض و سنن الهی به دست نمی‌آید و هر گفتمانی که حرف از پیشرفت می‌زند اما به فرائض و سنن الهی توجه نمی‌کند ابتر خواهد بود. حضرت می‌فرمایند اگر طبق فرائض و سنن الهی عمل نکنید و در مورد آن گفتمان‌سازی نکنید، نه تنها پیشرفت نمی‌کنید بلکه دچار پس‌رفت و بدبختی خواهید شد و اگر کسی بخواهد این مسیر را با انکار گفتمان علوی دنبال کند، آن مسیر فرجامی جز پس‌رفت، عقب‌گرد و بدبختی نخواهد داشت.

او با تاکید بر اینکه پیشرفت در سایه پیروی از گفتمان اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه و آله به دست می‌آید، اظهار داشت: پس‌رفت نیز در سایهٔ ضایع کردن این گفتمان است که حاصل می‌شود و انقلاب اسلامی ایران پذیرش این نکته و لبیک عملی در پذیرش به این گفتمان بود و امروز باید هوشیار بود و هشداری که حضرت امیر به مالک دادند مورد توجه قرار داد. مسیر پیشرفت انقلاب اسلامی وقتی مورد تهدید قرار می‌گیرد که اندیشه اسلام ناب محمدی انکار شود؛ یعنی گفتمانی که امام عظیم‌الشأن آن را احیا کرد و مقام معظم رهبری نیز آن را دنبال می‌کند این گفتمان مسیر پیشرفت و تعالی کشور را رقم می‌زند و تمام دشمنان انقلاب اسلامی تمام سعی خود را انجام دادند تا اجازه ندهند این گفتمان ریشه بدواند و با همه توان از طریق مقابله سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تلاش می‌کنند تا این گفتمان پانگیرد.

کسانی سعی کردند این گفتمان را انکار کنند و یا آن را ناکارآمد نشان دهند. اما حضرت امام به صراحت اعلام می‌کردند به تنها چیزی که باید فکر کنید استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه و آله است و هرچقدر استوارتر شود طمع دشمنان کمتر و کارآمدی نظام بیشتر می‌شود و سوم خرداد و فتح خرمشهر تبلور این گفتمان در عرصه اجتماعی بود. وی خاطرنشان کرد: سوم خرداد نشانه‌ای بود که نشان داد با وجود اینکه هرگاه کشور ما درگیر جنگی بوده قسمتی از کشور را از دست داده اما با تبلور گفتمان اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه و آله افتخار آفرید و سوم خرداد نمایانگر کارآمدی این گفتمان برای ما و برای دشمنان بود. اگر در سوم خرداد «یاعلی» گفتیم و خرمشهر آزاد شد، «یاعلی» صرفا رمز گفتمان نبود؛ بلکه رمز پیشرفت بود و بر این اعتقادیم آن «یاعلی» که توانست خرمشهر را آزاد کند، می‌تواند بسیاری از ظرفیت‌های کشور را در بسیاری از عرصه‌ها آزاد کند و امروز نیز در عرصه‌های دیگری نمود پیدا کرده است.

منشأ آزادسازی خرمشهر، حاکم‌شدن گفتمان انقلاب اسلامی بود و اگر این گفتمان در فرهنگ، اقتصاد و صنعت نیز جاری شود، شاهد پیروزی‌های بزرگی در این عرصه‌ها خواهیم بود. اگر دیدید که جنوب لبنان آزاد شد به علت تکثیر این شعار و رساندن آن به آنجا بود و اگر می‌بینید که در مقابله با رژیم صهیونیستی جبهه مقاومت پیروز می‌شود به همین علت است و اگر عزت نظام افزایش یافته و باعث ارتقای نظام در جهان شده است حاصل این گفتمان است. این گفتمان ظرفیت بالایی را برای کشور به ثمر آورده است و در نظامی که امروز بر جهان حاکم است همه به مقابله با این گفتمان می‌ایستند.

جلیلی با اشاره به این گفته حضرت امام که دلیلی ندارد مسلمانان جهان را به گفتمان اسلام ناب محمدی دعوت نکنیم، گفت: این گفتمان حضرت امام است که نه تنها کدخدا و ژاندارمی برای جهان نمی‌پذیرد بلکه نظام سلطه را نیز رد می‌کند و امام این واقعیت را بیان می‌کنند و این سیاست را بارها اعلام کرده‌اند که به دنبال افزایش نفوذ اسلام و کاهش تاثیر نظام سلطه در جهان هستیم از دشمنی دشمنان نیز نمی‌هراسیم و بعد به صراحت اعلام می‌کند که به دنبال خشکاندن ریشه‌های رژیم صهیونیستی و تکثیر نظام نبوی و رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله هستیم.

دبیر شورای عالی امنیت ملی با بیان اینکه این گفتمان روز به روز بر اقتدار نظام اسلامی در جهان افزوده است، اظهار داشت: اینکه این گفتمان به چه دلیل می‌تواند چنین ظرفیتی را ایجاد کند دو دلیل عمده دارد که یکی خود امام و قدرت این اندیشه و گفتمان است و دیگری مردمی که حامی این گفتمان هستند و این توده‌های مردم مومن هستند که می‌توانند تولید قدرت و چنین ظرفیتی را ایجاد کنند و اگر می‌خواهیم چنین گفتمانی پیشرفت کند باید به حامیان اصلی این گفتمان که مردم مؤمن هستند توجه کنیم

اگر این گفتمان بخواهد پیشرفت کند، نگاه باید به سمت مردمی باشد که نه تنها به این گفتمان اعتقاد دارند بلکه حاضرند از همه‌چیز خود در این مسیر بگذرند و بر این باوریم که این گفتمان و این مردم اگر در همه عرصه‌ها ظرفیت خود را آزاد کنند همانند دفاع مقدس که توانست پیروزی‌های مهمی را به ارمغان بیاورد، اکنون نیز می‌تواند در فرهنگ، اقتصاد، صنعت و سیاست جاری شود و پیروزی‌های بزرگی را فراهم آورد.

جلیلی با اشاره به گفته‌ای از حضرت امام مبنی بر اینکه اگر تفکر بسیجی در کشوری دنبال شد چشم دشمنان از آن دور می‌شود، گفت: این تفکر در جنگ تحمیلی نشان داد که می‌توان اسلام را پیروز جهان کرد و مهم‌ترین وظیفه رئیس‌جمهور این است که با اعتقاد به این گفتمان تمام ظرفیت‌ها را در جهت تحقق این گفتمان آزاد کند که اگر این‌طور شد همانند آزادسازی خرمشهر شاهد پیروزی‌های بزرگی در اقتصاد، فرهنگ خواهیم بود.

آنچه اصل و مهم است، این است که در این جهت قدم برداریم و نتیجه، فرع قضیه است. مالک به مصر نرسید؛ ولی نام او به عنوان کارگزار امام در تاریخ ثبت شد و از او هماره به بزرگی یاد می‌شود. وی با بیان اینکه امام در پیام به مالک از خدا می‌خواهد هم مالک و هم خود امام را موفق از آنچه رضای خداوند در آن است کند، اظهار داشت: امام می‌فرمایند مهم آن است که گام بردارید در جهت رضای خدا و اگر خطا کردید در پیشگاه خدا و مردم به صراحت بیان کن.

این کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری یازدهم با اشاره به دعای امام مبنی بر سعادتمند و شهیدشدن مالک اشتر، تاکید کرد: همه باید در این تلاشی که داریم در چند روز با این نگاه که گفتمان اسلام ناب را ترویج و افکار عمومی را اقناع کنیم که این گفتمان موجب پیشرفت کشور است و رویگردانی از آن جز تباهی برای کشور نتیجه دیگری ندارد. به گفته جلیلی باید تمام ظرفیت کشور به خصوص ظرفیت آحاد مردم آزاد شود تا همه ما و شما بتوانیم مخاطبان خوبی برای امام علی‌علیه‌السلام و پیرو خوبی برای مقام معظم رهبری که پرچم‌دار اسلام ناب و مکتب علوی است، باشیم.

اگر جریان و گفتمانی بیاید و مدعی شود که مقاومت سبب هزینه برای کشور است و مصالحه را راه حل معرفی کند این امر اشتباه و با شواهد فراوانی قابل ردکردن است

بیان

به پشت خیمه‌های دشمن رسیدیم نباید بازگردیم

سخنرانی دکتر جلیلی در جمع طلاب و فضلای حوزه علمیه

ورود به عرصه انتخابات یک امر جدی است و باید در این امر مرتب دقت کرد و توجه داشت که ورود به این عرصه برای دست‌یابی به قدرت نباشد.

نامزد انتخابات ریاست جمهوری با اشاره به این‌که برخی‌ها گفته‌اند که چرا زودتر اعلام کاندیداتوری نکردید یا به تبلیغ برای خودتان نپرداختید، ادامه داد: از کسانی که این کار را انجام داده‌اند باید پرسید که چرا پیش از موعد به تبلیغ پرداخته‌اند و این دأب ما نبوده است. باید این گفتمان را مطرح کرد که دین علاوه بر مقاومت پیشرفت نیز می‌تواند بیاورد و هر کس در این زمینه کار خاص خودش را باید انجام دهد، در ورود به انتخابات هیچ‌کس نباید احساس ضمانت و گارانتی بکند بنابراین باید نظارت دقیق و ساز وکارهای ویژه‌ای باشد. آن‌چه که برای ما اهمیت دارد، اسلام نابی است که امام بنا نهادند و رهبر معظم انقلاب آن را ادامه می‌دهند و هر کس اگر با این اسلام ناب اختلاف پیدا کرد، حتی اگر من باشم، منحرف شده است.

جلیلی گفت: برخی نامزدها گفتند که باید دنبال تنش‌زدایی برویم و مگر ما دنبال تنش بودیم و مگر تنش‌زدایی خط قرمز است، من مخالف صددرصد تنش‌زدایی هستم و اگر چیزی مبنی بر موافق بودن من به تنش‌زدایی به من منسوب است، اشتباه است.

اگر جریان و گفتمانی بیاید و مدعی شود که مقاومت سبب هزینه برای کشور است و مصالحه را راه حل معرفی کند این امر اشتباه و با شواهد فراوانی قابل ردکردن است، ما باید برای اندیشه دینی در همه شؤون مدل‌سازی و ارائه طرح اجرایی کنیم.

دبیر شورای عالی امنیت ملی با تأکید بر این‌که نباید این ظرفیت به وجود آمده را از بین ببریم، خاطرنشان کرد: اگر ما به پشت خیمه‌های دشمن رسیدیم نباید، بازگردیم و این بازگشتن گاه با شبهه در اندیشه و شبهه در دیدگاه صورت می‌گیرد که حوزه علمیه می‌تواند پاسخ‌گو باشد.

نامزد انتخابات ریاست جمهوری با اشاره به این‌که ما در تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کاستی‌هایی داریم، ادامه داد: در بسیاری از عرصه‌ها کارهای اساسی مانند شکل‌گیری قانون اساسی شده که تبدیل به سند شده است.

رهبر معظم انقلاب در جایگاه ولایت فقیه و به عنوان یک کارشناس دین مجموعه رهنمودهای ارزشمندی را ارائه کرده‌اند که این ظرفیت همچنان به خوبی استفاده نشده است، کارهایی که برای به ظهور رساندن اسلام در عرصه‌های مختلف شده است باید مورد استفاده قرار گیرد.

امروز ساختار اجرایی و اداره کشور ما نه تنها برای به انجام رساندن گفتمان انقلاب ناتوان است بلکه در اجرایی کردن همین ساختارهای لیبرالی و غربی نیز ناتوان و فرسوده شده است و یکی از دلایلش عدم ارتباط با حوزه علمیه است.

اگر دولت را یک ماشین بزرگ مانند تریلی در نظر بگیریم، باید اولویت اول خود را این قرار بدهیم تا این ماشین را راه بیندازیم و در ثانی ساز و کار اندیشه دینی را بر آن حاکم کنیم و اگر این‌گونه نباشد به تبع نمی‌توانیم در عرصه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی دستاورد لازم را داشته باشیم.

برخی شکست‌های ابتدایی در جنگ تحمیلی را ناشی از نبود ساز و کار متناسب با انقلاب بود. دلیل پیروزی ما نیز این بود که ساز و کارهایی متناسب با نظام اسلامی ایجاد کردیم، که می‌توان به وارد شدن عنصر شهادت‌طلبی و حضور فرماندهان در میان رزمندگان اشاره کرد.

اکنون در عرصه اقتصادی دشمن خارجی و سوءاستفاده‌کن داخلی از ساز و کار ناکارآمد اجرایی سوءاستفاده می‌کند و به تخریب اقتصاد کشور می‌پردازد و تا زمانی که این ساز و کار تغییر نیابد، نمی‌توان از خطرات دشمن ایمن بود و در عرصه‌های دیگر مانند فرهنگ نیز این‌گونه است.

هر کس که منتخب مردم شد باید تغییر ساز و کار کشور اولویت اساسی وی باشد و حل برخی از مشکلات زمان‌بر است به همین دلیل برخی‌ها به دنبال کارهایی هستند که زودبازده شوند و از اولویت‌ها غافل می‌شوند. سفرهای استانی از این نمونه است، چون ماشین دولت به خودی خود حرکت نمی‌کرد، رییس‌جمهور با طریق دیگری به خدمات‌رسانی می‌پرداخت، به عنوان مثال باید سفرهای وزارت‌خانه‌ای داشته باشی و باید وزارت‌خانه‌ها را از این بی‌عملی درآورد.

سفرهای استانی یا شکل‌گیری ستادهای استانی ممکن است به عنوان ضرورت صحیح باشد، اما باید این ظرفیت‌ها را به گونه‌ای شکل داد که بتوانیم کار را به طور اساسی و ریشه‌ای دنبال کنیم.

باید ساز و کاری برای یافتن نیروهای مختلف در پست‌ها را یافت، بحث بر سر این نیست که افراد خاصی جزو تیم من هستند یا نیستند، بلکه باید ساز و کاری برای شناسایی نیرو و قراردادن آن فرد در جایگاه خودش به دست آورد. ساز و کار شناسایی نیروها و به کارگیری آن در دفاع مقدس یکی از کارآمدترین ساز و کارها بود، به این دلیل که اندیشه دینی بر آن حاکم بود و آرمان در آن غالب بود و این گونه نبود که هر کس با مقاصد خاص در آن حضور بیابد.

جلیلی وظیفه شورای عالی امنیت ملی را بررسی تهدیدها و فرصت‌ها در حوزه امنیت ملی دانست و افزود: تنها مسأله به تهدید نظام ختم نمی‌شود، یکی از بسترهای تهدید اقتصاد یا فرهنگ است، ما هر روز با بمباران رسانه‌ای مواجه هستیم و برای این عرصه‌ها باید کار راهبردی کرد.

وی با بیان خاطره‌ای درباره حوزه علمیه پرداخت و گفت: در دیداری که با آقای سولانا داشتیم و در میز ناهار با یکدیگر گفت‌وگو می‌کردیم، ایشان علاقه‌مند بود به موضوعات خارج از بحث هسته‌ای و از آن درباره نظام حکومتی ایران و ساختار حکومتی ایران سؤالاتی کرد، غربی‌ها اعتراف می‌کنند که نظام جمهوری اسلامی ایران سلاح هسته‌ای ندارد و حرفشان این است که ما می‌خواهیم پیش‌گیری کنیم، من از ایشان سؤال کردم که شما سی‌سال است علیه ایران فعالیت می‌کنید و چرا موفق نشدید؟ سولانا گفت خود شما پاسخ را بدهید، من گفتم باید دو نکته را در نظر داشت، یکی این‌که شما با نظامی روبه‌رو هستید که مستظهر به پشتیبانی مردم است، همچنین این نظام مبتنی بر یک اندیشه دینی است و این ادعا را دارد که جامع است و برای همه عرصه‌ها مانند اقتصاد، سیاست و فرهنگ حرف دارد و مردمی که پشتیبان این نظام هستند تنها دفاع نمی‌کنند از این نظام بلکه حاضر هستند جان خود را برای نظام بدهند و این امر به دلیل غنای اندیشه اسلامی است، من به ایشان گفتم شما بی‌خود دنبال نطنز و اصفهان هستید بلکه زاردخانه ما در قم است.

نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری با بیان این‌که امروز ده‌ها مثال تجربی و عملی از کارآمد بودن نظام دینی داریم، خاطرنشان کرد: ما حیات‌بخشی دین در عرصه اجتماعی و فردی را تجربه کردیم و آن‌چه که امام خمینی برای ما به ارمغان آورد یک حیات جدید بود.

اگر انسان ایمان و عمل صالح را مبنا قرار داد و در عرصه اجتماعی ظهور کرد یک حیات طیبه را برای انسان به ارمغان می‌آورد، این اندیشه یک اندیشه جدی است و هر کسی نمی‌تواند درباره آن نظر بدهد.

عرصه دینی یک عرصه جدی است و هر کس نمی‌تواند درباره آن نظر بدهد، اگر هم مطلبی درباره این‌که من قدرت استنباط دینی در هر یک از موضوعات را دارم، گفته شده است اشتباه است.

وی تثبت نظریه ولایت فقیه و جایگاه ولایت فقیه را یکی از ضرورت‌های دولت آینده دانست و ابراز کرد: رییس‌جمهور آینده باید در عرصه عملی تابع ولایت فقیه باشد، در نظام اسلامی ولایت مطلقه فقیه حاکم است که فصل‌الخطاب در همه عرصه‌ها است بنابراین دیگر بحث اختلاف با رهبری به وجود نمی‌آید.

انقلاب اسلامی ایران ظرفیت بسیاری بر مبنای اندیشه دینی داشته است و این امر در عرصه‌های مختلف برای نظام تولید ظرفیت کرده است. ایران زمانی نوکر آمریکا بود، اما امروز نقشش ارتقا پیدا کرده است و این امر نه تنها در سطح منطقه‌ای بلکه در سطح جهانی است، شش قدرت جهانی یک طرف می‌نشینند و جمهوری اسلامی ایران در یک طرف می‌نشیند

فضیلتِ گرفتنِ صفر، از استادِ ضدانقلاب!

خرده‌روایت‌ها و خاطراتی از منش و روش دکتر سعید جلیلی

یک عده دنبال بهانهٔ جبهه نرفتن بودند، کار به درس اخلاق آقای مهدوی در دانشگاه کشیده بود که آیا تکلیف است؟ برویم جبهه یا درس بخوانیم؟ حاج آقا عصبانی شد! گفت اگه می‌خواهی جبهه نروی چرا بهانه می‌سازی؟ اما در خوابگاه، بچه‌های هم‌اتاقی سعید حواسشان بود که از درس عقب نمانند. مواقع عادی دانشگاه بودند، موقع عملیات جبهه! تا سردار قاآنی زنگ می‌زد، می‌فهمیدند نزدیک عملیات است به خط می‌شدند برای اعزام. در دانشگاه به اتاق سعید جلیلی می‌گفتند اتاق جنگ!

■

بسیج دانشگاه امام صادق علیه‌السلام را بلافاصله بعد از «پیام بسیج دانشجو و طلبهٔ امام» راه انداخته بود و با دو نفر دیگر در تهران و علم و صنعت شده بودند بنیان‌گذاران بسیج. جلوتر که رفتیم، یک عده می‌خواستند بسیج را به یک گروه نظامی صرف تقلیل بدهند، می‌گفت کار بسیج صرفا گردان عاشورا و هیأت برگزارکردن نیست! کرسی آزاداندیشی درست کرده بود که «حسین بشیریه» و «محمدتقی مصباح» بیایند در مورد اندیشهٔ سیاسی با هم بحث کنند. آن موقع بشیریه یک استاد ساده بود، بعدها بقیه فهمیدند کجاها را حواسش بوده است.

■

هر وقت ایشان را می‌دیدم با وجود آن سر شلوغ، یک کتاب انگلیسی، فارسی یا عربی در دست مطالعه داشتند. اشراف خوبی بر مسائل نظری داشتند. یادم هست یک‌بار گفتند این کتاب «چیستی علم» ترجمه سعید زیباکلام و «نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب» از مرحوم حائری را بخوانید!

■

اهل شلوغ‌کردن و جوابیه نوشتن و ... نبود. ولی بحث‌های «کدیور» در روزنامه «نوروز» پیرامون سیاست در قرآن را که دیده بود، خیلی شاکی شده بود که این دارد به اسم قرآن و پیغمبر مبانی غیر دینی را تئوریزه می‌کند. خودش رفته بود «نوروز». با سردبیر وقت بحث کرده بود که اگر مدعی گفت‌وگو هستید، من هم پایان‌نامه‌ام سیاست در قرآن است، استاد دانشگاه هم هستم، مطالب من را هم در جوابش بزنید. کم‌آورده بودند. حاضر نشده بودند جوابیه‌اش را کار کنند.

■

بحثی داشتیم با ایشان درباره نظام مالی اداری کشور که ایشان معتقد بود یکی از دلایل عمده ناکارآمدی در کشور همین ساختار است. تمرکز بر تغییر رؤوس پس از هر انتخابات و در حاشیه ماندن بسیاری از مراکزی که در زندگی مردم نقش بازی می‌کنند و عدم تغییر آنها یکی از مشکلاتی بود که ایشان بدان اشاره کرد. ایشان بوروکراسی موجود و ساختار اداری مالی را به لوله‌های پوسیده‌ای تشبیه کرد که به‌خاطر نشتی‌های فراوان مقدار پولی که در بالا وارد آن می‌شود تا به پایین می‌رسد در میان راه بسیاری از آن هدر می‌رود.

■

در دهه ۷۰ که ایشان رئیس اداره بازرسی وزارت خارجه بودند ۱۷ سفیر متخلف را بدون اینکه یک سفر خارجی برود، با ابزارهای مختلف تغییر داد. یکی دو مورد از تخلفات مالی و اخلاقی را که سربسته گفتند، شوکه شدیم! جای تلخش این بود که ایشان گفت برخی را که می‌خواستیم تغییر بدهیم از چند جا تماس گرفتند و اعتراض کردند! پس از تغییر ایشان از سمت بازرسی هم باز برخی از همان متخلفان به سفارت در کشوری دیگر مشغول شدند!

■

۶-۷ سالی که مسؤول بازرسی بود، شرایط کاری‌اش طوری بود که اگر سالی بیست تا سفر خارجی هم می‌رفت، در ذهن کسی نمی‌آمد که دارد کار بی‌جا می‌کند. اما او حتّی یک سفر خارجی نرفت. نگاه این بود که به جای خودش دیگران را بفرستد. سال‌ها در وزارت خارجه کار می‌کرد با اتوبوس و مترو از کرج می‌آمد سر کار. می‌گفت: «ما در خدمت انقلابیم نه انقلاب در خدمت ما.»

■

یک دفتر ذیل یکی از معاونت‌های بیت رهبری ایجاد شده بود به اسم دفتر بررسی‌های جاری. او را گذاشته بودند مسؤول این دفتر. آقا گفته بودند از نوشته‌هایش استفاده می‌کنم. وقتی رئیس دانشکده جدید می‌خواستیم هر چه دانشگاه و معاون آموزشی دانشگاه اصرار کردند، بیت اجازه نداد بیاید. خودش هیچ‌ان‌قلتی نیاورد.

■

توی دفترشان در بیت رهبری، کاغذی را دیدم درباره نگرش‌های کلان در باب سیاست خارجی که با خودکاری، در آن حاشیه نویسی شده بود. فضولی کردم و پرسیدم. گفتند اینها دست‌خط آقاست. رسم‌شان این بود که غلط‌های ویراستی را نیز می‌گرفتند. بعدا که دیدم برخی نکات آن برگه از جمله لزوم توجه سیاست خارجی به منافع اقتصادی کشور و ارتباطات جنوب – جنوب در کشور جاری شد منشا آن را دانستم.

■

معاون وزیر خارجه که شده بود، تا پایین‌ترین سطح‌های اداره را هم می‌گفت با موضوع مورد نظر حرف بزنند. می‌خواست هم نیروسازی کند، هم کارشناس‌ها و سطوح پایین که هیچ‌وقت آدم حساب نمی‌شوند، احساس هویت کنند، هم آدم‌های حرف‌دار و جدی را پیدا کند.

وقتی معاون وزارت خارجه شد، بعضی‌ها در بدنه اداره خیلی بهش انتقاد می‌کردند، می‌گفتند ملاحظات دیپلماتیک را رعایت نمی‌کند! پی‌گیر شدیم که حرف‌شان چیست؟ می‌گفتند همه‌اش با پروازهای عادی (اکونومی) می‌رود، حاضر نیست خرج‌های مرسوم را هم انجام دهد. ساده‌زیستی‌اش صوری نبود ...

■

هواپیما هنوز اجکت نکرده بود که خلبان هواپیما شخصا آمد پیش آقای جلیلی و گفت: بنده به عنوان مسؤول امنیت هواپیما از شما خواهش می‌کنم که به قسمت فرست کلاس هواپیما بیایید تا مشکلی پیش نیاید. آقای جلیلی سرش رو به نشانه تشکر تکانی داد و گفت: بنده هم به عنوان مسؤول امنیت کشور به شما می‌گویم که نیازی نیست و مشکلی پیش نمی‌آید.

■

ما یک دانشجو در این‌جا [دانشگاه امام صادق‌علیه‌السلام] داشتیم که در حال حاضر جزو نیروهای ارزشی نظام است به نام دکتر سعید جلیلی، ایشان در یکی از کلاس‌ها سر یک مساله‌ای با استاد همان کلاس درگیرشدند، و استاد با کمال بی‌رحمی به او صفر داد. ما هم با همهٔ قوا بسیج شدیم تا مشکلش را حل کنیم، اما متأسفانه نتوانستیم. ایشان رسما به استادش گفت که «این صفر شما برای من از یک [نمره] صد هم با ارزش‌تر است. چون من در راه اسلام این صفر را گرفتم و آن‌قدری که من در این صفر گرفتن از شما، ادعای برتری و فضیلت می‌کنم در از دست‌دادن پای قطع‌شده‌ام در جبهه احساس فضیلت نمی‌کنم.» اصلا این استاد خُرد شد. وضعیت به گونه‌ای شد که تا مدت‌ها دیگر نمی‌توانستند با دانشجو برخورد این‌گونه بکنند. البته ما هر کار کردیم نتوانستیم مشکلش را حل کنیم، چون از نظر قانونی نمی‌شد کاری کرد.
[آیت‌الله علم‌الهدی]

ساده‌زیستی مسوولان
استکبارستیزی
افتخار به انقلابی گری
یکی از عوامل گرایش مردم به دولت همین‌ها است
مردم به این ارزش‌ها اهمیت می‌دهند

اطلاعیه

جلیلی کیلومترها از شما و آقازاده‌ها جلوتر است!

اطلاعیه ستاد دکتر سعید جلیلی به توهین علی مطهری

جلیلی آن روزی که لازم بود یک پایش را در کنار دوستان شهیدش به امانت گذاشت تا امثال شما با خیال راحت دکتر شوید و کیلومترها راهی که دولت‌های سازشکار قبلی عقب‌نشینی کرده بودند را با یک پا برگشت و پیروز میدان بود همین الان هم جلیلی با همین یک پا کیلومترها از شما و آقازاده‌ها جلوتر است ...

ستاد انتخاباتی دانشجویی حمایت از جلیلی با قرائت اطلاعیه ای به اظهارات علی مطهری نماینده تهران که پیش از این در واکنش به رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی به دلیل مشکل کهولت سن، در مصاحبه‌ای برای اثبات توانمندی کاندیدای مورد حمایت خود به طعنه پیشنهاد برگزاری مسابقه دو بین جلیلی و هاشمی و مسابقه کشتی میاد حداد عادل و هاشمی را مطرح کرده بود واکنش نشان داد. در این بیانیه خطاب به علی مطهری آمده است:

نیازی نیست کاندیدای مورد حمایت شما با جانبازی که خمینی کبیر ذخیره اسلام می‌داند مسابقه دو بگذارد یا با استاد عادل و فرهیخته‌ای که تنها کارنامه‌اش در فتنه ۸۸ برای فیتیله پیچ‌کردن کل تیم سازشکار و مرعوب کافی است، کشتی بگیرد. همین که از خطای برخی نزدیکان ناخلفش برائت بجوید هم از این می‌پذیریم که این مورد تلاشش واقعا در راستای اعتلاء و عزت ایران اسلامی بوده است.

به هر حال جلیلی آن روزی که لازم بود یک پایش را در کنار دوستان شهیدش به امانت گذاشت تا امثال شما با خیال راحت دکتر شوید و کیلومترها راهی که دولت‌های سازشکار قبلی عقب‌نشینی کرده بودند را با یک پا برگشت و پیروز میدان بود همین الان هم جلیلی با همین یک پا کیلومترها از شما و آقازاده ها جلوتر است جلیلی امروز برای حرکت در راه آرمان های امام(ره) و شهدا نه دو پا بلکه انشاءالله با دعای امت انقلابی بال های تیز پرواز الهی با خود دارد.

واکنش

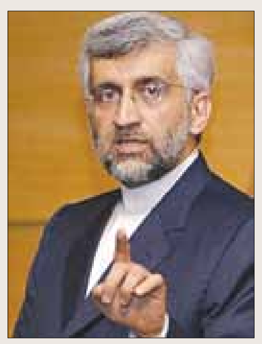

گفتمان امام کدخدایی برای جهان نمی‌پذیرد

واکنش دکتر سعید جلیلی به سخنان یک کاندیدای ریاست‌جمهوری

جلیلی با اشاره به سخنان اخیر حسن روحانی مبنی بر کدخدایی آمریکا در دهکده جهانی و لزوم ارتباط با کدخدا، اظهار داشت: گفتمان حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه در سیاست خارجی نه تنها کدخدایی را برای جهان نمی‌پذیرد بلکه هیچ قدرتی را به رسمیت نمی‌شناسد ...

دکتر سعید جلیلی در اولین همایش انتخاباتی‌اش به سخنان یک کاندیدا که گفته بود «امریکایی‌ها کدخدای ده هستند» واکنش نشان داد. وی که سخنرانی خود را به طرح گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان مقاومت اختصاص داده بود، تاکید کرد: کسی که سکان‌دار قوه مجریه می‌شود باید بتواند با برنامه و باور به گفتمان انقلاب، ظرفیت‌های کشور را به بهترین شکل آزاد کند.

جلیلی با اشاره به سخنان اخیر حسن روحانی مبنی بر کدخدایی آمریکا در دهکده جهانی و لزوم ارتباط با کدخدا، اظهار داشت: ما به لطف خدا تصمیم داریم که نظام اسلامی را احیا کنیم و اگر نوکران آمریکا نمی‌پسندند و آن را قدرت‌طلبی و توسعه‌طلبی می‌دانند از آن باکی نداریم و از آن استقبال می‌کنیم.

وی در ادامه تاکید کرد: گفتمان حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه در سیاست خارجی نه تنها کدخدایی را برای جهان نمی‌پذیرد بلکه هیچ قدرتی را به رسمیت نمی‌شناسد.

حسن روحانی رئیس مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام گفته بود: مذاکره با آمریکا امکان‌پذیر و شدنی است اما سخت است هرچند بنده معتقدم مذاکره با آمریکا راحت‌تر از مذاکره با اروپاست چرا که اروپایی‌ها به دنبال آقا اجازه از آمریکا هستند. آمریکایی‌ها کدخدای ده هستند، با کدخدا بستن راحت‌تر است!

بیان

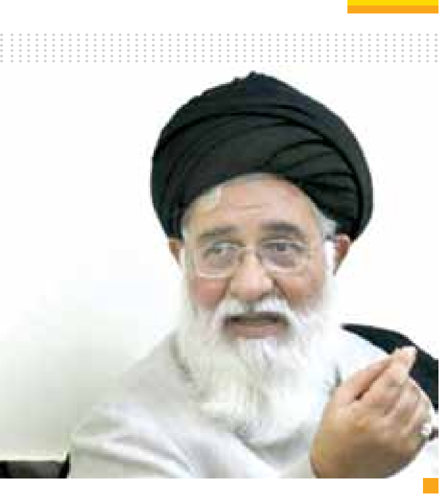

دکتر جلیلی مفسر تمام‌عیار قرآن

بیان آیت‌الله علم‌الهدی درباره مجاهدت‌ها، توانمندی، رشد علمی و فکری و خبرویت دکتر سعید جلیلی.

... بیایید دکتر سعید جلیلی را بشناسید. می‌دانید دکتر سعید جلیلی کیست؟

از سال ۱۳۶۲ که به صورت یک آقاپسر دیپلم‌گرفته، از یک خانواده متعبد، متدین و ساده‌زیست مشهدی جدا شد و در کنکور دانشگاه پذیرفته شد، تا الان ۲۴ سال بنده با این فرد مربوطم. دوره لیسانس، فوق لیسانس و دکتری خودش را در رشته علوم سیاسی در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام گذراند. به عنوان شاگرد اول این رشته در دانشگاه، در حالی که مشغول تحصیل بود و در تحصیلش پیشرفت کرده بود وارد جبهه‌های جنگ می‌شد، در عملیات‌های دفاع مقدس شرکت می‌کرد. از نظر فرماندهان ارشد لشگر ۵ نصر خراسان دکتر جلیلی یک چهره رزمنده شناخته شده است. در یک عملیات پایش قطع شد و جانباز حدود ۶۰ درصد است. در همین حین تحصیلش را هم ادامه داد. روزی که فوق‌لیسانس علوم سیاسی‌اش را گرفت جذب وزارت خارجه شد. در دولت آقای هاشمی رفسنجانی و وزارت آقای دکتر ولایتی ایشان رئیس بازرسی وزارت خارجه بود. در دولت آقای خاتمی ایشان رئیس میز آمریکا در کارشناسی وزارت خارجه بود. در دولت آقای دکتر احمدی‌نژاد معاون وزیر امور خارجه بوده است. در حین اشتغال، در آزمون دکتری علوم سیاسی شرکت کرد و پذیرفته شد.

ایشان رساله دکتری را درباره «پارادایم اندیشه سیاسی اسلام در قرآن» نوشت. برای نوشتن این رساله ده‌بار قرآن را ختم کرد. در این رساله حدود سه هزار استشهاد قرآنی برای اندیشه سیاسی اسلام ارائه داده است. یک آدمی که از نظر تخصص در این سطح بالا -دکتری علوم سیاسی- است، از نظر معارف اسلامی یک مفسر تمام عیار است،

از نظر تجربه کاری در بیشتر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ما در سه دولت یا کارشناس آن تصمیم‌گیری بوده است یا در تصمیم‌گیری شرکت داشته است، یک چنین کسی شده است دبیر شورای عالی امنیت ملی. آمدن این مرد، دغدغه دارد؟ اضطراب دارد؟ چرا نیامدید دکتر جلیلی را بشناسید؟

آن روزی که آمریکا با اذناب جنایتگرش جنگ هشت‌ساله را بر ما تحمیل کرد، محاسبه کرد جوان‌های انقلابی وابسته به امام را یا می‌کُشد یا جانباز می‌کند یا حداقل به خاطر اشتغال به دفاع مقدس آن‌ها را از رشد علمی و فکری باز می‌دارد. آمریکا و غرب حساب کرده بود قشر انقلابی ما نسل جوانش به جنگ مشغول شده است. این‌ها می‌توانند از این رفاه‌طلب‌های گوشه و ویلاهای اروپا و آمریکا عناصر بی‌دردی را انتخاب کنند، آن‌ها را متخصص سیاسی و اقتصادی بار بیاورند و در آینده آن‌ها بیایند در مسؤولیت‌های این نظام قرار بگیرند و این مملکت و این مردم را یک‌جا بریزند در دامن آمریکا! اما نمی‌دانستند این بچه‌های در سنگر، این جوان‌های رزمنده، با پای بریده‌شان از این سنگر بیرون می‌آیند و اول کارشناس سیاسی این کشور می‌شوند و در اوج خبرویت و تجربه سیاسی پست کلیدی دبیری شورای عالی امنیت ملی را به دست می‌گیرند. این را آمریکا حساب نکرده بود. سعید جلیلی وقتی دبیر شورای عالی امنیت ملی می‌شود یعنی یک آرمان انقلابی مردم ما. این اوج اقتدار و عزت در نظام ماست که از بچه جبهه‌ای سنگرنشین با پای بریده، امروز یک کارشناس عظیم سیاسی درست می‌کند. ما باید در برابر این نعمت خدا را شکر کنیم. ما باید به این افتخار ببالیم.

| تذکره | دوهفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، اطلاع‌رسانی | سال اول | شماره سوم | نیمه اول خرداد ۱۳۹۲
صاحب‌امتیاز: آمنه باقری | سردبیر و مدیرمسوول: محسن داودآبادی فراهانی
راه‌های ارتباط با ما: تلفن دفتر مرکزی: ۸۴۴۷۷۰۰ | شماره پیامک: ۳۰۰۰ ۷۹ ۸۳ | چاپ: شهر چاپ خراسان

ولایت

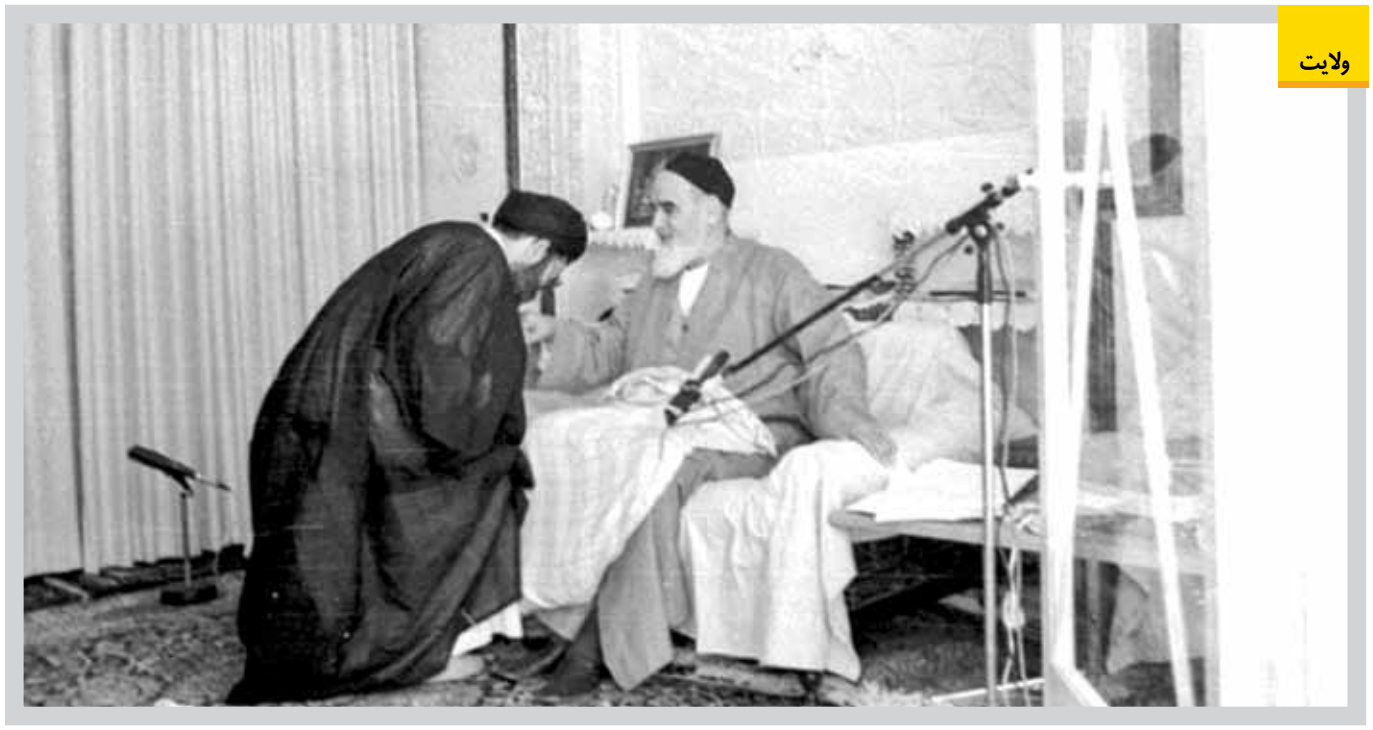

امام بزرگوار ما، پدر این امت بود

امـام بزرگوار ما در حق این ملت و در حق این کشـور پدری کرد. پدر امت، یعنی مظهر مهربانی و رحمـت و مظهر اقتدار و صلابت و شـخصیت؛ اسـتحکام شـخصیت پدرانه، در کنـار محبت و مهربانیِ پدرانه. علاوه‌ی بر این‌ها، امام پدر جنبش اسلامیِ امروز در دنیای اسلام است.

... ما امـام را اینجور شـناختیم. امام در طول حیـات، چه در حوزه علم و تدریس، چه در دوران مبارزه دشـوار، و چه در حوزه مدیریت و حاکمیت - آن وقتی که در رأس کشور قرار گرفت و مدیریت جامعـه را در قبضه گرفت - در همه اینها مصداق «و توکّل علی العزیز الرّحیم» بود. برای همین بود که کارهای بزرگی که همه می‌گفتند نشدنی است، باطلوع امام، این کارها شـدنی شد؛ همه سدهایی که گفته می‌شـد شکستنی نیست، با حضور امام، این سدها شکستنی شـد. او علاوه بر اینکه خود، مظهر عزت نفس و اقتدار معنوی بود، روح عزت را در ملت هم زنده کرد.

... وقتی ادبیات انقلابی امام را ملاحظه می‌کنید، می‌بینید تکیه اصلی بر روی سـاخت درونی ملت اسـت؛ احیای روح عزت، نه با تفاخـر، نه با غرور، نه با به‌خودبستن، بلکه با استحکام ساخت درونی. آنچـه که ما باید به آن توجه کنیم، این اسـت که این یک کارِ مقطعی نیسـت؛ این یک کارِ مستمر اسـت، یک کارِ ادامه‌دار اسـت. ملت باید با عوامل رکود و ایستاییِ مقابله کند. عواملی وجود دارد که یک انسـان پیشـرو را، یک ملت پیشرو را متوقف می‌کند. بعضی از این عوامل در درون خود ماست؛ بعضی از این عوامل، تمهیدات دشـمن است. اگر بخواهیم دچار رکود نشـویم، دچار ذلت نشـویم، دچار عقب‌گرد نشویم، دچار همان وضعیت دوزخیِ قبل از انقلاب نشویم، باید حرکتمان متوقف نشود. اینجاسـت که با یک مفهومی به نام «پیشرفت» روبه‌رو می‌شویم. باید دائم پیشرفت کنیم.

این عزت ملی، این استحکام درونی، این ساخت مستحکم، بایستی دائم در حال جلو رفتن باشد و ما را به پیشرفت برساند. این دهه به «دهه پیشرفت و عدالت» نامگذاری شده است.

عدالت هم در دل پیشـرفت اسـت. پیشرفت، فقط پیشرفت در مظاهر مادی نیست؛ در همه ابعاد وجودی انسان است؛ که درونش آزادی هم هست، عدالت هم هسـت، اعتـلای اخلاقی و معنوی هم هست؛ اینها همه در مفهوم پیشرفت هست. البته در آن، پیشـرفت مادی، پیشرفت مظاهر زندگی، پیشـرفت علمی هم وجود دارد. امام با آن حرکت خود، ما را در جاده‌ای قرار داد که باید در این جاده پیـش برویم. هرگونه توقـف در این جاده، ما را به عقب‌گرد می‌رساند.

بیداری

مزدوران رژیم بحرین، برجسته‌ترین عالم بحرین، یعنی آیت‌الله شیخ عیسی قاسم را که یکی از بزرگترین شخصیت‌های حامی انقلابیون بحرینی است، مورد هدف قرار داده اند.

شیخ عیسی قاسم؛ ستاره‌ای در آسمان تشیّع

درباره آیت‌الله شیخ عیسی قاسم | رهبر انقلابیون بحرین

رژیـم بحرین در اقدامـی هتاکانه، سـاعت دو بامداد جمعه، ده‌ها نظامی مسلح رژیـم آل‌خلیفه بـا همراهـی افـراد لبـاس شـخصی با حمله به منزل آیت الله شیخ عیسی قاسـم، رئیس شورای اسـلامی علمای بحرین و رهبر معنوی شیعیان این کشور، در شهر «الدراز» در غرب منامه، در نبود صاحبخانه، خانواده او را که در خواب به سر می‌بردند وحشت‌زده بیدار کرده و علاوه بر ایجاد رعب، خسـارت‌هایی را به منزل وی وارد کردند.

ایـن اقدام غیرقانونی دسـتگاه سـرکوب‌گر آل‌خلیفه در تعرض به یک نماد مذهبی بحرینی، موج مخالفت‌های گسـترده را در سطح داخلی و منطقه‌ای به دنبال داشته است که این واکنش‌ها همچنان ادامه دارد.

حـزب الله لبنان نیز با صدور بیانیه‌ای، حمله به منزل آیت‌الله شیخ عیسـی قاسم در منامه را محکـوم کرد و این اقـدام را اهانتی خطرناک به مقدسات دینی و شخصیت‌های مذهبی دانست.

علمای بـزرگ بحرین نیز حمله به خانه این روحانی را اقدامی زشت و نشانه‌ای بسیار خطرناک دانستند. آنها در بیانیه خود رژیم بحرین را مسؤول عواقب این هتاکی دانستند و گفتند: ملت بحرین در قبـال تعدی به بزرگتریـن نماد دینی در بین نمادهای این کشور سکوت نخواهد کرد و دستگاه حاکم باید همه پیامدها و نتایج این اقدام خود را برعهده بگیرد. سـید مقتـدا صدر، رهبر جریان صدر عراق نیز از طرفدارانش خواسـت تا پس از نمـاز جماعت، بـا برگزاری تظاهرات، خواسـتار بسته‌شـدن فوری و بدون تاخیر سفارت بحرین در عراق شوند.

آنچـه می‌خوانیـد زندگـی و سـوابق رهبر انقلابیون بحرین و درباره شخصیت برجسته این عالم ربانی است.

در بحرین حدود ۱۵ حزب فعالیت می‌کنند که اعضای آنها شـیعه، سـنی، ملی‌گرا، سکولار، بعثی و غیره هسـتند؛ البته با توجه به جمعیت انـدک بحرین بعضاً اعضای ایـن احزاب به بیش از یک‌صـد نفر نمی‌رسـد. در این میان «مجلس علمای شـیعی» یک تشکل جدی و منسجم در بحرین به شمار می‌آید که «شیخ عیسی قاسم» فرزند احمد، با نفوذترین روحانی بحرینی، رئیس این تشکل است.

شیخ عیسی قاسم کیست؟

آیت‌الله حاج شیخ «عیسی احمد قاسم الدرازی البحرانی» از برجسته‌ترین علما و رهبران سیاسی بحرین است که در روستای «دَراز»، از روستاهای اطراف «منامه» در پایتخت بحرین دیده به جهان گشـود و تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس این روستا به پایان رساند.

تحصیلات علـوم دینی خود را در بحرین در دهـه ۱۹۶۰ میلادی با حضور در محضر شـیخ «علوی الغریفی» آغاز کرد و سـپس راهی نجف اشـرف شـد تا به تحصیل علوم دینی و از جمله فقـه در آن بپردازد. وی از جمله دانش‌آموختگان آیت‌الله شهید «سیدمحمدباقر صدر» است.

با آغاز فعالیت برای تأسیس پارلمان بحرین که قصد داشت پس از شکل‌گیری کشور، کار تدوین قانونی اساسـی بحرین را به انجام برساند، مردم بحرین از شیخ قاسم خواستند با بازگشت به این کشور خود را برای حضور در این پارلمان کاندیدا نماید و در عمل شیخ عیسی موفق شد با بالاترین رأی بـه پارلمان بحرین راه یابد و در کنار جریان اسلام‌گرای پارلمان، نقش مهمی در تدوین مواد و بندهای اسلامی در قانون اساسی بحرین ایفا کند.

در سال ۱۹۷۱ میلادی، وی نامزد نمایندگی در مجلس ملی شـد و با به دسـت آوردن آرای لازم بـه این مجلس راه یافـت و تا زمان انحلال این مجلس با اخلاص و وفاداری هرآنچه در توان داشت، به مردم بحرین خدمت کرد.

ادامه تحصیلات عالیه دینی

در سال ۱۹۷۱ میلادی که جمعیت «بیداری اسـلامی» در بحرین تأسیس شـد، وی از جمله بارزترین و برجسته‌ترین بنیانگذاران آن بود و در ادامـه، در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی برای اتمام تحصیلات عالیه دینی خود، عازم شـهر مقدس قم شـد و تحصیلات حوزوی و علوم دینی خود را در محضر اسـاتیدی چون آیات عظام مرحوم آیت الله «فاضل لنکرانی»، «سیدمحمود هاشمی» و «سیدکاظم حائری» ادامه داد.

وی تا هشـتم مارس سال ۲۰۰۱ میلادی در قم اقامت داشت و مشغول به تحصیل بود تا اینکه در این سال خود را برای بازگشت به بحرین آماده کرد و پس از ورود به بحرین که با استقبال وسیع و شورانگیز مردم این کشور انجام گرفت، رسالت تدریس و آگاه‌سازی و بیدارسازی شیعیان بحرین نسـبت به ظلم و استبداد آل خلیفه و اقامه نماز جمعه را برعهده گرفت.

حضرت آیـت‌الله العظمی خامنـه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله شیخ عیسی قاسم را «سـتاره‌ای در آسمان تشیع» توصیف نموده و فرمودند: «اینجانب به وجود شیخ افتخار می‌کنم.»

پرهیزگاری، تسلط بر مسـائل و جریات روز کشـور و جهان، در کنار مهربانـی و مردم‌داری و علم فراوان و تسلط بر مسائل فقهی، موجب شده تا شـیخ، جایگاه بسـیار با نفوذی در میان مردم بحرین بیابد و به جرأت بتوان گفت، محبوب‌ترین روحانی در میان مردم بحرین باشـد. شـیعیان بحرین، همواره مطیع و فرمانبر اوامر و دستورات و اشارات او هستند.

از جمله ویژگی‌های شیخ، حمایت دائمی او از مسلمانان و مظلومان جهان، به ویژه حمایت قاطع از جریانـات مقاومت در منطقه از جمله حزب‌الله لبنان بوده و به همین دلیل، مردم لبنان نیز علاقه زیادی به شیخ عیسی دارند.

> **پرهیزگاری، تسلط بر مسائل و جریات روز کشور و جهان، در کنار مهربانی و مردم‌داری و علم فراوان و تسلط بر مسائل فقهی، موجب شده تا شیخ، جایگاه بسیار با نفوذی در میان مردم بحرین بیابد**

نکته

توسعه مشهد مقدس با برنامه‌ریزی شهری زائرمحور

دکتر جواد ستاری

اقـدام برای برطرف کـردن معضـلات شـهر، سالم‌سـازی محیـط زیسـت، حفـظ اصالـت اسـلامی و ملـی در سـاخت و سـازها، استقرار بخشـیدن به جو اسـلامی و فرهنگی سـالم، پرداختن به نیازهـای فـوری در عیـن اهتمام بـه کارهای زیربنایی و ... همه و همه نیازمند برنامه‌ریزی اسـت. آنچـه پیـش از برنامه‌ریزی بـرای هر حرکتی مورد توجه می‌باشـد، نگاه صحیح به موضوعات و درک درست از مفاهیم زیربنایی است.

شـهر مقدس مشـهد که اعتلاء و پیشـرفت آن، مدنظر همگان اسـت، شهری «زیارتی» است و سـالانه میزبان ۲۵ میلیون تا ۳۰ میلیون زائر داخلـی و خارجی اسـت. بافت پیرامـون حرم مطهر و عبور و مرور زائران و مجاوران از این بافـت، مهاجرپذیری و زائرپذیری این شـهر و مشکلات مرتبط با آن، کماکان مهم‌ترین مساله پایتخت معنوی ایران اسلامی است.

توسعه و پیشرفت امور مرتبط با موضوعات سـلامت، زیسـت، فرهنـگ، اجتمـاع، اقتصاد، عمران و... تابعی از این گزاره و توجه صحیح برای رفع مشکلات و موانع برشمرده است.

اگر بخواهیم با نگاه سیاست‌گذاری به موضوع زیـارت نگاه کنیم، گسـترش فرهنـگ زیارت، بسترسـاز گسـترش فرهنگ و هویـت دینی اسـت و این امر نیز زمینه‌سـاز رشـد فرهنگ اصیـل انقلاب اسـلامی اسـت. اگر مـا در نوع نگاه به مقوله زیارت اولویت دیگری را مدنظر قرار دهیم، ممکن اسـت زمینه‌سـاز انحراف از ایـن هدف اصیـل گردیم. در این سـال‌ها آنچه مزید بر علت مشکلات شده، نگاه ناصحیح به مقوله زائر و زیارت اسـت. دغدغه شماره یک سازمان‌های متولی رسیدگی به زائران، مطابق اظهـارات خودشـان در جرایـد، نـه زیـارت با معرفت که توریسم و گردشگری زیارتی است!

گاهـی سیاسـت‌گذاران، تفاوتی میـان معانی زائر و گردشـگر قائل نیسـتند. زائر و زیارت، در فرهنگ و متون دینی «قل سیروا فی‌الارض فانظروا کیف کان...» اسـت. سـفر تاکید شـده سفری است که پشت آن هدف و نیت قرب الی الله وجود داشته باشد. زائر به زیارتگاه می‌رود تـا روحش را تطهیر کرده و به عبادت بپردازد و مقصود تمام فعالیت‌های او تقرب الهی است. اما توریسـت کسی اسـت که مسافرت می‌کند تـا ترمیم اعصاب و فرح پیدا کند؛ یا نادیده‌ها، عجایـب هفت‌گانـه، مردمان دیگر نقـاط جهان دیگر را ببیند تا لذت ببرد.

بـرای زائر وجـه فرهنگی به جـای وجه مادی غالب است. در گردشگری و توریسم اما تقدس وجود ندارد.

بـا ایـن دو نـگاه بـه مسـافری کـه به مشـهد آمـده، دقیقا می‌تـوان دوگونـه برنامه‌ریزی و سیاسـت‌گذاری داشت. فرایند طراحی ساختار شـهر مشـهد از حدود دو دهه قبل که نوعی از طراحـی و معماری و سـبک زندگـی را در این شهر تبلیغ و ترویج می‌نماید، با هویت و روح اصلی شهر سازگاری ندارد.

معمـاری و طراحی اطراف حـرم مطهر و پهنه شهر مشهد، تا چه حد با معماری اسلامی حرم و بسـیاری از اماکـن معنوی ما کـه نمادهایی هسـتند که تجلی توحید را در درون خود دارا هستند، هم‌ساز و هم‌سنخ‌اند؟!

آیـا می‌شـود گفت که با دسـت خودمـان و یا سیاسـت‌گذاری و پول خودمان، در شـهری که نماد فرهنـگ دینـی و پایتخت معنـوی ایران اسـت، زمینه‌سـاز نابـودی فرهنـگ و هویت الهی انقلاب اسلامی هستیم؟ هویتی که هرجا به آن تمسک جستیم موفق بودیم و پیشرفت کرده‌ایـم و هرجـا از آن دوری کرده‌ایـم، دچار شکست‌شده‌ایم؟

آنچـه در مشـهد امـروز به عنـوان جاذبه‌های گردشـگری و به دلیل بیشـتر مانـدن زائر در مشـهد ساخته می‌شـود، چیزی نیسـت که در شـهرهای دیگر وجود نداشته باشد و یا امکان ساخت نداشته باشد. توجه ضروری به زائران میلیونـی حضـرت ثامن‌الحجج علیه‌اسـلام، واجب و ضروری است.